

به نام خدا



سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION

مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

صنعت نساجی ایران: بازخوانی یک تجربه تاریخی

تهیه کنندگان: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فعالیت‌های نساجی به عنوان یک صنعت پیشگام در فرآیند صنعتی شدن بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته کنونی - و تا پیش از گام نهادن آنها به مرحله فراصنعتی - نقشی اساسی داشته است. انقلاب صنعتی اروپا، و تجربه جهش صنعتی بسیاری از کشورها وامدار صنعت نساجی است. دانش فنی ساده، فن‌آوری سطح پایین، و اشتغال‌زایی فراوان از جمله ویژگی‌هایی است که نقش این صنعت را در شکل‌دهی پایه‌های نخستین یک اقتصاد صنعتی پررنگ و قابل توجه می‌سازد. در دنیای امروزی نیز با گرایش کشورهای توسعه‌یافته بر صنایع تمیز و دارای ارزش افزوده بسیار زیاد، زمینه‌های رقابت در این رشته از صنعت برای کشورهایی مانند ایران هنوز مهیاست.

بررسی وضعیت صنعت نساجی ایران در چارچوب یک مجموعه سه جلدی، گزارش‌های زیر را دربرمی‌گیرد:

بازخوانی یک تجربه تاریخی

گزارش یکم

تصویر آماری دو دهه اخیر

گزارش دوم

صنعت نساجی ایران به روایت بورس اوراق بهادار تهران

گزارش سوم

در گزارش پیش‌رو، پیشینه و تحولات تاریخی صنعت دیرپای نساجی ایران تا پیش از انقلاب اسلامی - به ویژه در چارچوب برنامه‌های عمرانی یکم تا پنجم - بررسی شده است. به گمان، یکی از مهمترین نکات پندآموز این گزارش، ارزیابی شیوه استفاده از فرصت‌های زمانی برای همسازی اقتصاد ملی با تحولات جهانی است.

صنعت نساجی ایران : بازخوانی یک تجربه تاریخی

فهرست مطالب

۱- مقدمه‌ای بر نساجی سنتی ایران	۱
۲- پیدایش نساجی ماشینی در ایران	۲
۳- صنعت نساجی در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی	۷
۳-۱ برنامه عمرانی یکم: ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴	۷
۳-۲ برنامه عمرانی دوم: ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱	۹
۳-۳ برنامه عمرانی سوم: ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶	۱۵
۳-۴ برنامه عمرانی چهارم: ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱	۲۰
۳-۵ برنامه عمرانی پنجم: ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶	۲۳
۴- پیوست	۳۰
۵- فهرست منابع	۳۲

۱- مقدمه‌ای بر نساجی سنتی ایران

فعالیت‌های ریسندگی و بافندگی، به ویژه تهیه پوشاک از الیاف از پانزده هزار سال پیش در ایران معمول بوده است. صرف‌نظر از آنچه درباره پیشینه تهیه پوشاک در دوران‌های افسانه‌ای تاریخ ایران به کیومرث یا هوشنگ پیشدادی نسبت داده می‌شود؛ با توجه به آثاری که از تپه سیلک کاشان به دست آمده، وجود گونه‌ای فن بافندگی در ۴۷۰۰ سال پیش از میلاد تایید شده است.

در سده دوم پیش از میلاد مردم آسیای مرکزی و ایران با ابریشم آشنایی داشته‌اند. در دوران هخامنشی بافندگی ترقی زیادی کرده بود و مقر شاهان هخامنشی با پرده‌های زیبا و رنگارنگ مزین بوده و لباس آنها از پارچه‌های خوش رنگ تهیه می‌شده است. زیبایی و مرغوبیت بافته‌های ایرانی به اندازه‌ای بوده است که اسکندر مقدونی با تمام تعصب یونانی‌اش پوشاک ایران را ترجیح می‌داد. در دوره ساسانیان صنعت نساجی از رونق بیشتری برخوردار بوده و ایرانیان در رنگ آمیزی که امروزه تکمیل پارچه نامیده می‌شود موفقیت چشمگیری داشته‌اند. پارچه‌های بافته شده در دوره ساسانیان به قدری نفیس بوده که حتی درفش امپراتوری رم و جامه مرگ پادشاه فرانک از ایران می‌رفته است. بافت پارچه‌های ابریشمی با نقوش متقارن، دیبای زربفت و حریر، و فرش‌های نفیس در ایران، و صدور آنها به کشورهای اروپایی و خاور دور از نقاط درخشان پیشرفت صنعت نساجی در دوره ساسانیان به شمار می‌رفته است به گونه‌ای که بافندگان آن دوران در نزد پادشان مقامی در خور داشتند.

در صدر اسلام، صنعت بافندگی ایران رونق خود را حفظ کرد و پاره‌ای از شهرها جریمه و مالیات خود را به صورت پارچه‌ها و منسوجات قیمتی به خلفای عرب می‌پرداختند. پس از کنار زدن سلطه تازیان و تشکیل نخستین دولت مستقل ایرانی، صنعت نساجی مورد توجه خاص واقع شد؛ به گونه‌ای که در زمان سلجوقیان نوعی پارچه ابریشمی بافته می‌شد که با تغییر نور، تغییر رنگ می‌داد. منحنی پیشرفت صنعت نساجی ایران در دوره صفویان به نقطه پیشینه می‌رسد. بافته‌های ایرانی در آن زمان در تمام تاریخ هنر نساجی جهان نظیر ندارد. طراحی و گل زنی پارچه و آنچه امروز تکمیل پارچه نامیده می‌شود در آن دوره به درجه‌ای عالی رسید. در بسیاری از طرح‌های آن پارچه‌ها

روایت‌های شاهنامه و داستانهای عاشقانه را می‌توان مشاهده کرد. در دوره صفویان، زری، اطلس، شال پشمی، منسوجات پشمی و ابریشمی، قلمکار و نخ و بالاتر از همه مخمل‌هایی بافته شد که نظیرشان را کمتر می‌توان یافت.

در عصر حکومت قاجاریان صنعت نساجی ایران سیری نزولی پیمود؛ و صدور پنبه و پشم جای محصولات بافته شده را گرفت. باستان شناس معروف **مادام دیولافوا** در **"سفرنامه ایران و کلد"** با اشاره به دیدارش از اصفهان می‌نویسد: "پس از چیدن و انبار کردن پنبه به تصفیه آن می‌پرداختند و مواد خارجی آن را جدا می‌کردند. سپس پنبه حاصله را در پارچه‌های کرباسی عدل‌بندی و به ممالک خارج ارسال می‌داشتند. هر گاه این گیاه صنعتی در خود محل مصرف می‌شد، مانند تریاک و تنباکو جریمه‌ای به مصرف‌کننده آن تعلق می‌گرفت. نمایندگان تجارتخانه‌های خارجی در همه جای ایران فعالیت داشتند و با استقلال کامل به دادوستد می‌پرداختند و اجازه نمی‌دادند که این محصولات صرف توسعه صنایع محلی شود." بدین ترتیب، پس از انقلاب صنعتی در اروپا که به توسعه صنایع ماشینی در کشورهای اروپایی منجر شد، صاحبان صنایع از هر حیث حمایت می‌شدند، حال آنکه در ایران اصولاً کار صنعتی محترم شمرده نمی‌شد. عوامل خارجی و سیاستهای استعماری کشورهای صنعتی نیز تاثیر مهمی در رکود صنعت نساجی ایران داشت و بی‌توجهی حکام قاجار به مسأله ماشینی کردن این صنعت باعث شد که محصولات ماشینی کشورهای اروپایی جانشین محصولات کارگاهی داخلی شود. علاوه بر این، عدم همکاری بین مردم در ایجاد شرکتها، ترس سرمایه‌داران در به کار انداختن سرمایه در فعالیتهای صنعتی، بی‌اطمینانی از بازدهی سرمایه، نداشتن اطلاعات صنعتی سرمایه‌داران خصوصی، نبودن متخصصان محلی و همچنین نبود خطوط ارتباطی را می‌توان از عوامل مهم رکود صنعت نساجی کشور در آن دوران دانست. این عوامل و به ویژه واردات بیش از حد پارچه و منسوجات از خارج که با تعرفه‌های بسیار پایین وارد کشور می‌شد، زمینه‌های سقوط و رکود بیش از پیش صنایع نساجی ایران را در دوران قاجار فراهم آورد، و کارگاههای نساجی یکی پس از دیگری به انبار متروکه ادوات پارچه‌بافی تبدیل شد. در این باره، **فلاندن** که در اوایل سده چهاردهم هجری از کاشان دیدن کرده است می‌نویسد: "واردات پارچه‌های انگلیسی روز به روز از تعداد کارخانه‌های بافندگی و ریسندگی کاشان می‌کاهد. هر چند هنوز این کارخانه‌ها دایر است، انسان از تماشای قسمتهای عمده آنها که بایر و بیکار افتاده سخت مغموم می‌شود. باعث حسرت است، شهر که در زمان صفویان اولین شهر صنعتی ایران بود، امروز به چنین وضعی درآمده است."

۲- پیدایش نساجی ماشینی در ایران

صنعت نساجی ماشینی در شمار اولین صنایع کارخانه‌ای ایران است. اولین کارخانه‌های نساجی برای بافت چلوار و حریر توسط میرزاتقی‌خان امیرکبیر در تهران و کاشان دایر شد. پس از وی حاج میرزا حسین خان سپهسالار و حاج محمدحسن امین‌الضرب و پسرش حاجی حسین آقا نیز کارخانه‌هایی به ایران آوردند، ولی بر اثر عدم حمایت از سوی دولت قادر به رقابت با محصولات نساجی ماشینی کشورهای اروپایی نبودند، و یکی پس از دیگری از میدان خارج شدند. هنر بافندگی ایران نیز که با دستگاههای دستی صورت می‌گرفت اگر چه دیر زمانی اصالت و شهرت خود

را نگه داشته بود، در رقابت با پارچه‌های خارجی که از لحاظ قیمت و تنوع بر پارچه‌های وطنی ارجح بود، رو به زوال و نابودی نهاد.

اولین کارخانه نساجی ایران که توانست دوام یابد، تنها دارای یک دستگاه ماشین ریسندگی ۱۲۰۰ دوکی بود که توسط صنایع‌الدوله از سوییس خریداری و در تهران نصب شد. این کارخانه در سال ۱۲۸۰ به بهره‌برداری رسید. دومین کارخانه ریسندگی به اهتمام حاج رحیم و حاج یوسف در تبریز دایر و در سال ۱۲۸۹ نخستین محصول آن به بازار عرضه شد.^(۱) تا پایان دوره سلسله قاجار صنعت نساجی ماشینی در ایران منحصر به همین دو کارخانه بود.

به دنبال تحولاتی اجتماعی که از سال ۱۳۰۰ به بعد در ایران به وقوع پیوست، دولت ملی، مدارس جدید، و ارتش متمرکز و نوین در کشور بنیان نهاده شد، و شکل حکومت و در نتیجه اقتصاد کشور دچار دگرگونی اساسی شد. در پی این تحولات احیا و ایجاد صنایع نیز مورد توجه واقع قرار گرفت، و از جمله اقداماتی اساسی برای توسعه و تکمیل صنعت نساجی به عمل آمد. یکی از نتایج این اقدامات تأسیس اولین کارخانه نساجی به نام **وطن** در سال ۱۳۰۴ در اصفهان بود. تولیدات کارخانه مزبور که بیشتر پارچه پشمی و پتو بود و در شرایط آن زمان که دولت از نظر درآمد ارزی مشکل داشت، توانست با جلوگیری از واردات مشابه صرفه‌جویی ارزی زیادی برای کشور فراهم کند. پس از تأسیس این کارخانه دولت در سال ۱۳۰۹ اولین کارخانه نساجی نخی را نیز در شاهی دایر نمود. همچنین، در سال ۱۳۱۳ دومین کارخانه نساجی پشمی به نام کارخانه **ریسباف** در شهر اصفهان ایجاد شد. در طی این سالها با آنکه شرایط مناسبی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به منظور ایجاد کارخانه‌های نساجی فراهم بود، سرمایه‌داران خصوصی بر اثر ناآگاهی از بازده سرمایه در این صنعت و به ویژه به دلیل گرایش سنتی آنها به روستا و زمین و اغنای تمایلات فئودالیستی خویش رغبت چندانی به سرمایه‌گذاری در صنعت نشان ندادند. به مرور زمان و با آگاهی یافتن سرمایه‌داران بخش خصوصی از بهره قابل ملاحظه حاصل از فروش تولیدات کارخانه وطن که با وجود عدم مرغوبیت بازده جالب توجهی نسبت به سرمایه به کار رفته در رشته کشاورزی از خود نشان می‌داد؛ و نیز با احساس امنیت اجتماعی بیش از پیش در کشور سرمایه‌داران بخش خصوصی گرایش چشمگیری در امر تأسیس کارخانه‌های نساجی از خود نشان دادند.

در پی افزایش مشارکت بخش خصوصی در ایجاد کارخانه‌های نساجی، از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۲۰ تعداد واحدهای نساجی از ۲ واحد به ۴۰ واحد افزایش یافت. این کارخانه‌ها شامل ۱۲ واحد بزرگ و ۲۸ واحد کوچک در رشته‌های نساجی پنبه‌ای، پشمی، ابریشمی و کفنی بود. در جدول ۲ - ۱ ظرفیت و وضعیت مالکیت این واحدهای نساجی به تفکیک رشته نساجی نشان داده شده است:

۱- این کارخانه که توسط حاج رحیم آقا قزوینی پسر حاج فتحعلی از آلمان خریداری شده بود توسط دو مهندس آلمانی نصب شد. کارخانه مزبور دارای ۱۵۰۰ واحد دوک ریسندگی بود که تعداد ۴۰ تا ۵۰ نفر کارگر در آن مشغول به کار شدند. محصول کارخانه ۲۰ خروار نخ بود که از فروش آن ۶ درصد سود عاید می‌شده. نخ این کارخانه برای تهیه جوراب و تاروپود قالی به مصرف می‌رسید. این کارخانه از بزرگترین کارخانه‌های زمان خود بود و در شرایط دشوار سیاسی و اقتصادی آن زمان توانست به کار خود ادامه دهد.

جدول ۲ - ۱ ظرفیت صنایع نساجی ایران پیش از جنگ جهانی دوم

صنایع نساجی	تعداد کارخانه	تعداد دوک ریسندگی	تعداد دستگاه بافندگی	محل و نوع مالکیت
نساجی نخی	۲	۵۷,۰۰۰	۱,۳۵۰	دولتی (شاهی و بهشهر)
نساجی نخی	۲۸	۱۶۵,۸۴۰	۱,۱۳۷	خصوصی (نقاط مختلف)
نساجی پشمی	۷	۲۴,۱۵۰	۳۸۰	خصوصی (نقاط مختلف)
ابریشم	۱	۷۳,۴۰۴	۲۲۰	دولتی (چالوس)
کف بافی	۱	۱,۲۸۰	۶۰	دولتی (شاهی)
کف بافی	۱	۱,۰۸۰	۴۰	خصوصی

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی، وزارت صنایع و معادن، تهران ۱۳۵۷.

چنانچه پیداست، چهار واحد از ۴۰ کارخانه نساجی موجود در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم دولتی بود، و با سرمایه‌گذاری مستقیم دولت ایجاد شده بود. هدف دولت از تاسیس این کارخانه‌ها تامین محصولات نساجی مورد نیاز داخل کشور و نیز آموختن روش بهره‌برداری از دستگاه‌های تولیدی و روش مدیریت صحیح آن به بخش خصوصی بود.

کل تولید کارخانه‌های ماشینی در بخش بافندگی پارچه‌های نخی سالانه حدود ۶۰ میلیون متر بود که تقریباً نیمی از احتیاجات داخلی را برطرف می‌ساخت، تولید پارچه‌های پشمی نیز در حدود یک میلیون متر در سال بود که کمتر از یک سوم مصرف داخلی را تامین می‌کرد. تنها کارخانه حریربافی با تولید ۵۰۰ هزار متر پارچه ابریشمی در سال اصولاً قادر به جوابگویی نیازهای کشور نبود.

در زمینه واردات و تولید داخلی پارچه‌های نخی و عرضه پارچه، با توجه به آمار موجود مربوط به سال ۱۳۱۴ یعنی حدود ۱۰ سال پس از تاسیس اولین کارخانه نساجی بزرگ ایران، به نظر می‌رسد که در حدود ۸ درصد عرضه پارچه از تولید داخلی تامین می‌شده و ۶۵ درصد آن از خارج تامین می‌شده است^(۱). اما در سال ۱۳۱۹، ۳۱ درصد پارچه عرضه شد از تولید داخلی و ۴۱ درصد آن از خارج تامین شده است. این آمار نمایانگر آن است که صنعت نخی نوین و نوپای ایران در دو دهه اول سده جاری خورشیدی توانسته بود بدون وجود حمایت گمرکی و در یک فضای رقابت شدید با واردات، به اندازه‌ای توسعه و گسترش یابد که طی ۵ سال در حدود ۲۵ درصد از وابستگی کشور به واردات پارچه‌های خارجی بکاهد. جدول ۲ - ۲ این روند را بهتر نشان می‌دهد. این جدول آمار عرضه پارچه، شامل انواع پارچه‌های تولیدی ماشینی و سنتی یا کارگاهی را در برمی‌گیرد. عرضه پارچه‌هایی که توسط کارگاههای سنتی تولید می‌شده، در حدود ۴۰ میلیون متر برآورد شده است.

۱- باقی نیازهای داخلی توسط کارگاههای سنتی نساجی تامین می‌شده است.

جدول ۲ - ۲ کل عرضه پارچه‌های نخی طبیعی و مصنوعی طی سالهای ۱۳۱۴ - ۱۳۱۹

سال	تولید داخلی ماشین‌های نساجی [میلیون متر]	واردات [میلیون متر]	عرضه کل [میلیون متر]	سهم تولید داخلی در عرضه کل [درصد]	سهم واردات در عرضه کل [درصد]
۱۳۱۴	۱۱	۹۴/۲۶	۱۴۵/۲۶	۸	۶۵
۱۳۱۵	۱۱/۵	۷۳/۸۷۵	۱۲۵/۳۷۵	۹	۵۹
۱۳۱۶	۴۰/۵	۱۰۸/۳۴	۱۸۸/۸۴	۲۱	۵۷
۱۳۱۷	۴۳/۵	۳۴/۷۲۵	۱۱۸/۲۲۵	۳۷	۲۹
۱۳۱۸	۴۳/۵	۶۳/۴۲	۱۴۶/۹۲	۳۰	۴۳
۱۳۱۹	۴۳/۵	۵۷/۶۴	۱۴۱/۱۴۰	۳۱	۴۱
متوسط سالانه دوره	۳۲/۳	۷۲	۱۴۴/۳	۲۲/۷	۴۹

مأخذ: کاظم شرکت، بررسی صنعت نساجی نخی طبیعی و مصنوعی، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، ۱۳۴۲.

در طی سالهای جنگ جهانی دوم بر اثر اوضاع نابسامان کشور واردات منسوجات که از نظر مرغوبیت از کالاهای تولیدی مشابه داخلی بهتر بود رو به کاهش نهاد و در نتیجه قیمت فروش کالاهای خارجی سیری صعودی پیمود. به همین سبب مردم آن زمان که قدرت خریدشان بسیار کم شده بود و نمی‌توانستند از کالاهای خارجی و مرغوب استفاده نمایند به حکم ضرورت از محصولات نساجی داخلی بیشتر استقبال نمودند. درباره حجم واردات منسوجات در این دوره آمار دقیقی در دست نیست، **جان بارییر** در کتاب خود آماری را ذکر کرده و معتقد است واردات منسوجات نخی از حدود ۱۰ هزار تن در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۲ به حدود ۵ هزار تن در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ کاهش یافته است. علاوه بر این، در جدول ۲ - ۳ آمار عرضه کل پارچه‌های نخی در طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ نشان داده شده است. در این جدول نیز کاهش شدید واردات به ویژه در سالهای ۱۳۲۲، ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ مشاهده می‌شود. در هر حال کاهش واردات و افزایش تقاضا برای منسوجات داخلی شرایط و موقعیت مناسبی برای صاحبان صنایع نساجی فراهم آورد به طوری که با وجود مشکلات عدیده‌ای که در کار تولید داشتند با تمام ظرفیت - حتی در سه نوبت کاری - به تولید می‌پرداختند و در سایه حمایت‌های دولت از محصولات داخلی منافع سرشاری به دست می‌آوردند.

جدول ۲ - ۳ عرضه کل پارچه‌های نخی طبیعی و مصنوعی در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ واحد: میلیون متر

سال	تولید داخلی ماشینهای نساجی	واردات	عرضه کل	سهم تولید داخلی [درصد]	سهم واردات [درصد]
۱۳۲۰	۴۳/۵	۶/۴۱	۸۹/۹۱	۴۸	۷
۱۳۲۱	۴۳/۵	۴۶/۷۲۵	۱۳۰/۲۲۵	۳۳	۳۶
۱۳۲۲	۴۳/۵	۱۹/۵	۱۰۳	۴۲	۱۹
۱۳۲۳	۴۳/۵	۱۷/۵	۱۱۱	۳۹	۱۶
۱۳۲۴	۴۳/۵	۱۵/۱۶	۹۸/۶۶	۴۴	۱۵
۱۳۲۵	۴۳/۵	۴۰/۴	۱۲۳/۹	۳۵	۳۲
۱۳۲۶	۴۳/۵	۳۸/۴	۱۲۱/۹	۳۶	۳۱
متوسط سالانه دوره	۴۳/۵	۲۶/۳	۱۱۱/۲	۴۰	۲۴

مأخذ: کاظم شرکت، بررسی صنعت نساجی نخی طبیعی و مصنوعی، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، ۱۳۴۲.

صنایع نساجی به لطف وضعیت پدید آمده چند سالی را به همین منوال گذراند، ولی این روند دیری نپایید و صنایع نساجی کشور دچار رکود شده و بازدهی آنها به مرور سیر نزولی یافت. علت این مسأله چیزی نبود جز استفاده نادرست و غیراصولی از ماشین‌آلات، عدم توجه به ظرفیت‌سازی و عدم بازسازی ماشین‌آلات مستهلک شده و فرسوده که روز به روز کیفیت محصولات را پست‌تر می‌کرد. همان طور که از جدول ۲ - ۳ پیداست طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ تولید داخلی پارچه‌های نخی در حد ۴۳/۵ میلیون متر ثابت باقی مانده بود و این سقف تولید با همان کارخانه‌های پیش از جنگ به دست می‌آمد زیرا به علت شرایط و اوضاع جنگ هیچ کارخانه جدیدی تأسیس نشده بود. در این جدول تنها آمار مربوط به واردات منسوجات طی سالهای جنگ نیز ارائه شده است و نشان می‌دهد که سهم واردات در عرضه پارچه‌های نخی طی این سالها به شدت کاهش یافته و در سال ۱۳۲۴ به ۱۵ درصد یعنی کمترین میزان خود طی سالهای جنگ رسیده بود. البته باید توجه داشت به علت ورود غیرمجاز نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ به ایران و در جریان انتقال قدرت در این سال، واردات پارچه و به طور کلی بازرگانی خارجی کشور بسیار محدود شده و وضعیتی نابسامان و غیرعادی حکمفرما بود.

با پایان یافتن جنگ، دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی و حرکت به سوی توسعه اقتصادی به تدوین برنامه‌های عمرانی روی آورد، و اولین برنامه عمرانی هفت ساله را در سال ۱۳۲۷ به اجرا گذاشت. سعی دولت بر این بود که در چارچوب این برنامه‌ها، زمینه‌های توسعه و پیشرفت کشور را در بخشهای مختلف اقتصادی فراهم آورد. اجرای این برنامه‌ها اثراتی را روی بخشها و صنایع از جمله صنعت نساجی به همراه داشت که بررسی آنها خالی از فایده نیست.

۳- صنعت نساجی در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی

۳- ۱ برنامه عمرانی یکم: ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴

برنامه عمرانی کشور درست پس از جنگ جهانی دوم اجرا شد، و از آنجا که اولین تجربه در امر برنامه‌ریزی کشور بود، آن طور که باید تمام اصول و ضوابط یک برنامه عمرانی را به همراه نداشت. به علاوه آمار و اطلاعات دقیقی درباره عملکرد برنامه در دسترس نیست تا بتوان ارزیابی دقیق‌تری ارائه داد. در هر حال در همین مقدار نیز مشخص است که دولت در برنامه اول عمرانی صنایع نساجی را نیز مورد توجه قرار داد و در نتیجه این توجه و حمایت در سالهای پس از جنگ سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی رو به افزایش نهاد. افزایش و توجه بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی علاوه بر توجه و حمایت دولت، علت‌های دیگری نیز داشت که مهمترین آنها را چنین می‌توان برشمرد:

- ۱- افزایش روز افزون تقاضا
 - ۲- نیاز مبرم به تخصیص ماشین‌آلات
 - ۳- برآورد خوش‌بینانه سرمایه‌گذاران از سود حاصل از سرمایه‌گذاری
 - ۴- فعالیت فروشندگان ماشین‌آلات خارجی برای فروش ماشین‌آلات نساجی و شرایط فروش براساس اعتباراتی که در ظاهر دراز مدت می‌نمود
 - ۵- فراهم بودن پنبه طبیعی که بخش عمده مواد اولیه را تشکیل می‌داد.
 - ۶- توجه و تشویق دولت برای تاسیس صنایع و پرداخت وام و اعتبارات و اهتمام دولت به صرفه‌جویی ارزی.
- دولت در اعتبارات عمرانی برنامه اول سهمی معادل $2/4$ درصد برای توسعه صنعت نساجی اختصاص داده بود؛ یعنی از ۲۱ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی برنامه، ۵۰۲ میلیون ریال آن صرف سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی می‌شد. تقریباً تمام این مبلغ صرف سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های چیت‌سازی تهران و نساجی شماره ۲ شاهی شد. همان طور که از جدول ۳- ۱ نیز پیداست، در این برنامه به صنایع نساجی توجه خاصی شده بود زیرا $42/5$ درصد از ۱۱۸۰ میلیون ریال اعتبارات صنعتی برنامه اول در اختیار صنعت نساجی قرار گرفته بود.

جدول ۳- ۱ وضعیت اعتبارات عمرانی برنامه اول ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴

عنوان	کل امتیازات	اعتبارات صنعتی	اعتبارات صنعت نساجی	سهم صنعت نساجی در کل اعتبارات	سهم صنعت نساجی در اعتبارات صنعتی
اعتبارات عمرانی برنامه اول	۲۱،۰۰۰ میلیون ریال	۱،۱۸۰	۵۰۲	$2/4$	$42/5$

مأخذ: جعفر صادقی نامور، تحقیق در صنعت نساجی ایران، سازمان برنامه، ۱۳۵۵.

در نتیجه این سرمایه‌گذاریها و توجهی که دولت به صنایع نساجی می‌نمود، تعداد کارخانه‌های نساجی نخی به ۴۱ رسید و تولید پارچه‌های نخی در سال آخر برنامه به ۶۲ میلیون متر افزایش یافت که نسبت به سال اول برنامه ($43/5$)

میلیون متر) حدود ۴۳ درصد رشد نشان می‌دهد. در طول برنامه اول، تعداد کارخانه‌های نساجی پشمی تغییری نکرد، ولی مقدار محصولات این کارخانه‌ها افزایش یافت و به بیش از ۱/۳ میلیون متر در سال رسید که نسبت به سالهای قبل از جنگ جهانی دوم حدود ۳۰ درصد رشد داشته است. در جدول ۳ - ۲ حجم تولید و واردات پارچه‌های نخی آورده شده است. بر پایه این جدول سهم تولید داخلی در عرضه پارچه‌های نخی طی برنامه اول حدود ۳۳ درصد و سهم واردات حدود ۴۵ درصد بوده است که نشان می‌دهد با وجود سرمایه‌گذاریهای انجام شده در طول برنامه اول، نه تنها درصد تامین نیازها داخلی توسط صنایع نساجی ماشینی کشور نسبت به سالهای پیش از اجرای برنامه کاهش یافته، بلکه تقاضا و نیازهای جدید ایجاد شده نیز از طریق واردات تامین شده است. در بررسی برنامه اول باید به این نکته اشاره شود که در طی دوران اجرای برنامه اول، مدیریت کلان کشور به واسطه مبارزات ملی شدن نفت و تحریم‌های بین‌المللی و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد حالتی بحرانی داشته، و چنین وضعیتی مانع از این شد که سیاستها و برنامه‌های تدوین شده در برنامه به طور کامل و به دور از تنشهای سیاسی و در محیطی آرام اجرا شود. بر پایه جدول، تولید داخلی از ۶۴ میلیون متر در سال ۱۳۲۹ به ۶۱ میلیون متر در سال ۱۳۳۲ کاهش، و دوباره در سال ۱۳۳۴، به ۶۲ میلیون متر افزایش یافت. در این دوره در مقابل کاهش تولید داخلی واردات افزایش یافت، به طوری که سهم واردات از ۴۳ درصد در سال ۱۳۲۹ به ۴۸ درصد در سال ۱۳۳۳ افزایش یافت.

بر روی هم، به نظر می‌رسد، برنامه اول تا حدودی بر صنعت نساجی نخی که رو به نابودی و مستهلک شدن بود، جانی دوباره بخشیده باشد، به طوری که طی دوره یازده ساله ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷ هیچگونه ظرفیت جدیدی به کارخانه‌های نساجی نخی اضافه نشده بود و کارخانه‌های موجود با وجود ماشین‌آلات قدیمی و فرسوده، و بدون اینکه هزینه‌ای را صرف بهسازی و ظرفیت‌سازی نمایند به کار خود ادامه داده بودند. اما از سال دوم برنامه یعنی در سال ۱۳۲۸ ظرفیتهای جدید به توان تولید داخلی کشور در بخش نساجی نخی افزوده شد.

جدول ۳ - ۲ عرضه پارچه‌های نخی طی برنامه اول عمرانی ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴

واحد: میلیون متر

سال	تولید داخلی توسط ماشینهای نساجی	واردات	عرضه کل	سهم تولید داخلی	سهم واردات
۱۳۲۷	۴۳/۵	۵۸/۶	۱۴۲/۱	۳۱	۴۱
۱۳۲۸	۶۴	۱۱۲/۶	۲۱۶/۶	۳۰	۵۲
۱۳۲۹	۶۴	۷۷/۸۶	۱۸۱/۸۶	۳۵	۴۳
۱۳۳۰	۶۳	۸۴/۲۸	۱۸۷/۸۶	۳۴	۴۵
۱۳۳۱	۶۳	۶۸/۲۲	۱۷۱/۲۲	۳۷	۴۰
۱۳۳۲	۶۱	۹۴/۱۷	۱۹۴/۱۷	۳۱	۴۸
۱۳۳۳	۶۱	۹۳/۳۲	۱۹۴/۳۲	۳۱	۴۸
۱۳۳۴	۶۲	۷۲/۴۷	۱۷۴/۴۷	۳۶	۴۲
متوسط سالانه دوره	۶۰	۸۲/۷	۱۸۲/۸	۳۳	۴۵

مأخذ: کاظم شرکت، بررسی صنعت نساجی نخی طبیعی و مصنوعی، بانک توسعه صنعتی معدن ایران، ۱۳۴۲.

۳- ۲ برنامه عمرانی دوم: ۱۳۴۱-۱۳۳۵

دومین برنامه عمرانی هفت ساله کشور در حالی به اجرا گذاشته شد که صنایع نساجی وضعیت نامناسبی داشتند. با آنکه در برنامه اول در تخصیص اعتبارات عمرانی به نساجی به عنوان صنعت اول کشور توجه شده بود؛ به علت عدم دسترسی به مدیران و کارکنان ماهر در سطوح مختلف مهارت، ناآگاهی به سیستم‌های مدرن حسابداری، در نظر نگرفتن استهلاک سرمایه، بی‌توجهی صاحبان صنایع در به کارگیری صحیح کارکنان و کارگران، و فرسوده بودن ماشین‌آلات کارخانه‌های نساجی، زمینه‌های ورشکستگی صنایع نساجی کشور در ابتدای برنامه دوم فراهم شده بود. علاوه بر این، در اوایل برنامه دوم تا حدود بسیار زیادی موانع ورود منسوجات خارجی برداشته شده بود و در نتیجه مقدار قابل توجهی منسوجات به ویژه منسوجات پشمی وارد کشور می‌شد. این مسأله سبب می‌شد که تولیدات داخلی به علت گرانی قیمت و نداشتن مرغوبیت توانایی رقابت با منسوجات خارجی را نداشته باشند. در این شرایط و اوضاع که خطر نابودی و سقوط، صنعت نساجی را به شدت تهدید می‌کرد، صاحبان صنایع بخش عمومی و خصوصی با همکاری یکدیگر برای نجات این صنعت مطالعات و بررسیهایی را بر مبنای هدفهای برنامه دوم عمرانی کشور انجام دادند.

برنامه دوم عمرانی کشور مبتنی بر اجرای مجموعه‌ای از طرحهای زیربنایی مانند راه‌سازی و سدسازی و غیره بود؛ ولی برنامه‌ریزان وقت از این امر غافل نبودند که بایست حداقل از صنایع موجود کشور به بهترین وجه استفاده نمود و در صورت لزوم از آن حمایت کنند و اعتبارات و منابع مالی خود را طوری تخصیص دهند که ضمن کمک و حمایت از صنایع و راهنمایی صاحبان آنها در استفاده بهینه از ماشین‌آلات و مهارتها، زمینه‌های حضور سرمایه‌گذاران خصوصی را برای سرمایه‌گذاری بیشتر در صنعت فراهم آورند. صنایعی که در مرحله اول مورد توجه برنامه‌ریزان کشور قرار داشت صنایعی بود که در درجه اول اشتغال‌زا باشد؛ در درجه دوم مواد اولیه آن در کشور موجود و ارزان باشد؛ و در درجه سوم ارزش افزوده بیشتری داشته و با سایر بخشهای تولیدی نیز داده و ستاده بیشتری داشته باشند. صنعت نساجی تا حدود زیادی ویژگیهای برشمرده را داشت؛ بنابراین در برنامه عمرانی دوم نیز این صنعت مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت و حدود یک سوم اعتبارات عمرانی صنعتی برنامه و ۳/۶ درصد کل اعتبارات برنامه یعنی حدود ۳ میلیارد ریال به صنایع نساجی اختصاص یافت. مبلغ تخصیص یافته در سه مورد مصرف شد، یک بخش در سرمایه‌گذاری کارخانه‌های نساجی دولتی، قسمتی برای مشارکت در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، و باقی به عنوان وام اعطایی به صاحبان این صنایع مصرف شد - جدول ۳- ۳.

واحد: میلیارد ریال

جدول ۳- ۳ اعتبارات عمرانی برنامه دوم ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱

عنوان	کل اعتبارات	اعتبارات صنعتی	اعتبارات صنعت نساجی	سهم صنعت نساجی از کل اعتبارات	سهم صنعت نساجی در اعتبارات صنعتی
اعتبارات عمرانی برنامه دوم	۸۴	۹	۳	۳/۶	۳۳

مأخذ: صادقی نامور، تحقیق در صنعت نساجی ایران، سازمان برنامه، ۱۳۵۵.

مجریان برنامه دوم عمرانی علاوه بر تخصیص اعتبارات عمرانی که ذکر آن رفت، با توجه به مطالعات و بررسیهایی که برای نجات صنایع نساجی از خطر سقوط به عمل آوردند، اقداماتی اساسی را برای حمایت از این صنایع از سال ۱۳۳۶ شروع نمودند. پرداخت وامهای صنعتی با شرایط بسیار آسان به صاحبان صنایع نساجی از محل تفاوت ارزیابی پشتوانه اسکناس، اخذ مالیات از واردات منسوجات، دریافت مبالغی بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی از کالاهای مشابه خارجی از جمله این اقدامات بود. در نتیجه این حمایتها در طول برنامه دوم تمایل زیادی در بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این صنعت به وجود آمد و تعداد کارخانه‌های نساجی کشور رو به افزایش نهاد. به طوری که در سال پایانی برنامه تعداد کارخانه‌های نساجی در رشته نخی به ۵۹ واحد و در رشته پشمی به ۱۱ واحد رسید. این امر در حالی صورت می‌گرفت که حدود ۲۰ سال هیچ کارخانه نساجی پشمی تاسیس نشده بود. در دوران برنامه دوم عمرانی یعنی از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۱ چهار واحد بزرگ جدید صنعتی در این رشته تاسیس شد و به بهره‌برداری رسید. درباره میزان سرمایه‌گذاری انجام شده توسط بخش خصوصی و حتی دولتی اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. بر پایه آمار ارائه شده توسط جان باری‌یر، واردات ماشین‌آلات صنعتی و به ویژه واردات ماشین‌آلات نساجی در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ به شدت افزایش یافته بود. بر پایه این آمار که در جدول ۳ - ۴ آورده شده است، سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نساجی یا واردات سرمایه‌ای صنعت نساجی در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ به ترتیب از ۲۲۱/۷ و ۹۳/۲ درصد رشد برخوردار بوده و سهم صنعت نساجی در واردات ماشین‌آلات صنعتی در طی این سالها از ۱۵/۲ درصد در سال ۱۳۳۶ به ۴۴ درصد در سال ۱۳۳۸ افزایش یافته است.

واحد: ارزش سیف هزار ریال

جدول ۳ - ۴ واردات ماشین‌آلات صنعتی

سال	ماشین‌آلات نساجی	ماشین‌آلات سایر صنایع	جمع واردات ماشین‌آلات	رشد واردات ماشین‌آلات نساجی	سهم صنعت نساجی در واردات ماشین‌آلات
۱۳۲۵	۵۶۸/۶	۴۵،۵۱۹/۰	۴۶،۰۸۷/۶	-	۱/۲
۱۳۲۶	۸۰،۳۱۱/۱	۵۶،۲۳۰/۱	۶۴،۲۶۱/۲	۱،۳۱۲/۴	۱۴/۳
۱۳۲۷	۹،۵۴۳/۷	۶۴،۰۲۳/۰	۷۳،۵۶۶/۷	۱۸/۸	۱۴/۹
۱۳۲۸	۸۷،۰۹۸/۴	۱۵۸،۱۷۷/۷	۲۴۵،۲۷۶/۱	۸۱۲/۶	۵۵/۱
۱۳۲۹	۸۸،۳۶۴/۳	۲۴۴،۲۷۰/۱	۳۳۲،۶۳۴/۴	۱/۵	۳۶/۲
۱۳۳۰	۸۶،۵۸۹/۴	۲۵۵،۹۸۶/۸	۳۴۲،۵۷۶/۲	-۲/۰	۳۳/۸
۱۳۳۱	۱۲۰،۸۳۴/۴	۳۱۱،۳۲۱/۴	۴۳۲،۱۵۵/۸	۳۹/۵	۳۸/۸
۱۳۳۲	۲۳۶،۱۳۸/۶	۵۳۷،۵۹۹/۴	۷۷۷،۷۳۸/۰	۹۵/۴	۴۳/۹
۱۳۳۳	۱۵۰،۶۰۷/۱	۷۷۱،۴۵۹/۵	۹۲۲،۰۶۶/۶	-۳۶/۲	۱۹/۵
۱۳۳۴	۱۲۰،۹۲۰/۹	۸۹۰،۲۴۰/۷	۱،۰۱۱،۱۶۱/۶	-۱۹/۷	۱۳/۶
۱۳۳۵	۱۱۱،۶۳۳/۳	۸۰۱،۸۱۳/۱	۹۱۳،۴۴۶/۴	-۷/۷	۱۳/۹
۱۳۳۶	۱۹۵،۱۹۴/۴	۱،۲۵۳،۸۴۱/۰	۱،۴۴۹،۰۳۵/۴	۷۴/۹	۱۵/۶
۱۳۳۷	۶۲۷،۸۶۸/۱	۱،۹۶۱،۳۲۰/۹	۲،۵۸۹،۱۸۹/۰	۲۲۱/۷	۳۲/۰
۱۳۳۸	۱،۲۱۲،۷۸۴/۲	۲،۷۵۸،۳۶۰/۶	۳،۹۷۱،۱۴۴/۸	۹۳/۲	۴۴/۰

مأخذ: جان باری‌یر، اقتصاد ایران

با توجه به سرمایه‌گذاریها و حمایت‌های صورت گرفته، ظرفیت کارخانه‌های نساجی در طول برنامه دوم به طور چشمگیری افزایش یافت. با آنکه از ظرفیت کارخانه‌های نساجی در طول برنامه دوم عمرانی به طور کامل استفاده نمی‌شد، تولید محصولات نساجی در این دوره افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت. تولید پارچه‌های نخی از ۶۲ میلیون متر در ابتدای برنامه به ۲۶۲ میلیون متر در آخرین سال برنامه دوم افزایش یافت، و ارزش تولیدات منسوجات پشمی در همین فاصله تقریباً ۲/۵ برابر شد.

بر پایه جدول ۳ - ۵ متوسط رشد تولید پارچه‌های نخی توسط ماشین‌آلات نساجی طی برنامه دوم حدود ۲۸/۵ درصد بوده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، سهم تولید داخلی در عرضه پارچه‌های نخی به طور پیوسته روندی افزایشی داشته است، به طوری که از ۴۰/۵ درصد در سال ابتدای برنامه به حدود ۸۹ درصد در سال پایانی برنامه رسید و در مقابل سهم واردات به شدت کاهش یافت و از ۳۷/۸ درصد به حدود ۱۱ درصد محدود شد.

جدول ۳ - ۵ وضعیت عرضه پارچه‌های نخی طبیعی و الیاف مصنوعی طی برنامه دوم عمرانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۳۴	۶۲	۷۲/۴۷	۱۷۴/۴۷		۳۵/۵	۴۱/۵
۱۳۳۵	۶۷	۶۲/۶۱	۱۶۵/۶۱	۸/۱	۴۰/۵	۳۷/۸
۱۳۳۶	۷۷	۶۶/۵	۱۷۵/۵	۱۴/۹	۴۳/۹	۳۷/۹
۱۳۳۷	۱۰۱	۶۲/۱۹	۱۹۱/۱۹	۳۱/۲	۵۲/۸	۳۲/۵
۱۳۳۸	۱۸۳	۱۲۵/۳۷	۳۰۸/۳۷	۸۱/۲	۵۹/۳	۴۰/۷
۱۳۳۹	۲۵۶/۷	۱۱۸/۱۶	۳۷۴/۸۶	۴۰/۳	۶۸/۵	۳۱/۵
۱۳۴۰	۲۷۰/۴	۷۷/۶۱	۳۴۸/۰۱	۵/۳	۷۷/۷	۲۲/۳
۱۳۴۱	۲۶۲	۳۳	۲۹۵	-۳/۱	۸۸/۸	۱۱/۲
متوسط	۱۷۳/۹	۷۷/۹	۲۶۵/۵	۲۵/۴	۶۱/۶	۳۰/۶

مأخذ: کاظم شرکت، بررسی صنعت نساجی نخی طبیعی و مصنوعی در ایران، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، ۱۳۴۲

بین سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ برنامه‌های اصلاح وضع عمومی توسعه و مدرنیزه کردن کارخانه‌ها عملی شد و شروع بهره‌برداری از ظرفیتهای جدید از اوایل سال ۱۳۳۷ آغاز شد و تا سال ۱۳۴۰ تمامی کارخانه‌های جدید به بهره‌برداری رسید. تا پیش از سال ۱۳۴۰ تولید کنندگان داخلی از هیچگونه حمایتی (گمرکی یا نوع دیگر) در مقابل پارچه‌های وارداتی برخوردار نبودند. پس از آنکه محدودیتهای گمرکی اعمال شد، سهم واردات در عرضه پارچه‌های نخی از ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۳۹ به حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۴۱ کاهش یافت. علاوه بر این محدودیتهای، به واسطه استفاده از جدیدترین وسایل تولید در مراحل ریسندگی و بافندگی و به کارگیری کارگران با سابقه در مراکز قدیمی پارچه‌بافی مانند یزد، اصفهان و کاشان و با کمک اطلاعات فنی خارجی، صنعت نساجی ایران به ویژه صنعت نساجی نخی توانست از سال ۱۳۳۷ پارچه‌های مرغوبی هم ردیف پارچه‌های خارجی به بازار عرضه نماید. بر روی هم، برنامه

دوم در دستیابی به اهداف تعیین شده برای آن بسیار موفق عمل کرد به طوری که در پایان برنامه صنعت نساجی نخی قادر بود حدود ۹۰ درصد نیازهای داخلی را برآورده سازد و بدین ترتیب وابستگی به خارج را به حداقل برساند. علاوه بر این موفقیتها گرمی بازار محصولات نساجی تولیدکنندگان را ترغیب نمود که با حداکثر ظرفیت به کار بپردازند یا واحدهای دیگری تاسیس نمایند. در سال ۱۳۴۰ تولیدات نساجی نخی چنان زیاد شد که بحرانی در این صنعت به وجود آورد و سبب انبار شدن حدود ۱۲۰ میلیون متر پارچه شد. این امر سبب شد که تعداد ۱۸ کارخانه به اجبار تعطیل شود و تولیدات نساجی کاهش یابد، به طوری که تولید منسوجات نخی پس از چند سال افزایش در سال ۱۳۴۱ کاهش یافت و از ۲۷۰ میلیون متر در سال ۱۳۴۰ به ۲۶۲ میلیون متر در سال ۱۳۴۱ محدود شد.

بررسی و تحقیق درباره پدید آمدن چنین وضعیتی مسؤولان و کارشناسان وقت را متوجه اشکالات و نواقصی ساخت که علل اصلی این وضع به شمار می رفتند. بجز فرسودگی ماشین آلات بر اثر عدم تعمیر و تعویض و بی توجهی به استهلاک سرمایه سایر عوامل عبارت بودند از:

- عدم تناسب بین افزایش تولید (عرضه) و تقاضا؛
 - تولید پارچه های ساده بیش از مقدار تقاضا؛
 - ناآشنایی با مدیریت صنعتی؛
 - سوء استفاده مدیران؛
 - فقدان مواد اولیه؛
 - استقراض زیاد با بهره های سنگین و جریمه های دیرکرد؛
 - تنزل قیمت محصولات نساجی؛
 - بی اطلاعی از بازاریابی؛
 - وجود کالاهای مشابه؛
 - کمبود متخصص فنی؛
 - مشکلات کارگری و عوارض شهرداری؛
 - رقابت نامتناسب به ویژه بین کارخانه های دولتی و خصوصی.
- برای مقابله با این مسایل و معضلات اولین سمینار بزرگ نساجی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در وزارت صنایع و معادن گشایش یافت. با اعلام نتایج سمینار و پس از این که وزارت اقتصاد بررسیهای بیشتر و کاملتری انجام داد، تصمیماتی به مورد اجرا گذاشته شد که قسمت عمده ای از آنها در برنامه عمرانی سوم عملی شد. این تصمیمات عبارت بودند از:

- منع ورود بخش اعظم پارچه های نخی از سال ۱۳۴۱ و ممنوعیت کامل واردات انواع پارچه های نخی از سال ۱۳۴۲؛

- عدم صدور پروانه جدید در صنعت نساجی نخی؛
- تاسیس سازمان مدیریت صنعتی؛

- اعزام کارشناسان فنی و مالی به کارخانه‌ها؛
 - لغو یا تخفیف حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و لوازم فنی و یدکی؛
 - لغو عوارض شهرداری؛
 - رفع اشکالات کارگری؛
 - تنظیم لایحه قانونی هیات حمایت از صنایع برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها و تصویب و اجرای آن در برنامه سوم عمرانی.
- این اقدامات و تصمیمات، در رشد و شکوفایی صنعت نساجی در دوره برنامه سوم نقش مهمی ایفا نمود^(۱) که در بخش بعد به آن پرداخته می‌شود.
- صنعت نساجی پشمی نیز به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های صنایع نساجی بر اثر اجرای برنامه عمرانی دوم دچار تغییر و تحولاتی شد که با توجه به آمار و اطلاعات موجود قابل بررسی است.

جدول ۳ - ۶ وضعیت عرضه پارچه‌های پشمی طی برنامه دوم عمرانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	صادرات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۳۴	۱/۳	۲/۵	۰/۰۲	۳/۸		۳۵	۶۵
۱۳۳۵	۲/۴	۳/۴	۰/۰۵۸	۵/۹	۸۵	۴۲	۵۸
۱۳۳۶	۱/۴	۳/۷	۰/۰۸۱	۵/۲	-۴۲	۲۹	۷۱
۱۳۳۷	۱/۷	۴/۱	۰/۰۵۴	۵/۹	۲۱	۳۰	۷۰
۱۳۳۸	۲/۱	۵/۴	۰/۰۴۸	۷/۵	۲۴	۲۸	۷۲
۱۳۳۹	۳/۱	۵/۳	۰/۰۲	۸/۴	۴۸	۳۷	۶۳
۱۳۴۰	۳/۹	۵/۴	۰/۰۰۲	۹/۳	۲۶	۴۲	۵۸
۱۳۴۱	۳/۲	۳/۵	۰/۰۲۳	۶/۷	-۱۸	۴۸	۵۲
متوسط	۲/۵	۴/۴	۰/۰۴	۷/۰	۲۰	۳۷	۶۳

مأخذ: محمد علی فروزش، بررسی صنعت نساجی پشمی در ایران، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، ۱۳۴۹.

چنانکه از جدول ۳ - ۶ پیداست، به دنبال اقدامات و سیاستهایی که دولت در جهت توسعه و احیای صنعت نساجی در برنامه دوم اتخاذ نمود، تولید پارچه‌های پشمی نیز از ۱/۳ میلیون متر در ابتدای برنامه دوم به ۳/۲ میلیون متر در پایان برنامه افزایش یافت تولید داخلی طی برنامه دوم به طور متوسط حدود ۲۰ درصد رشد داشت و بجز دو سال ۱۳۳۶ و ۱۳۴۲ روند تولید همواره مثبت بوده است. رشد تولید داخلی سبب شد که سهم تولید داخلی در عرضه یا تامین نیازهای کشور از ۳۵ درصد به ۴۸ درصد افزایش یابد.

۱- مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

واردات پارچه‌های پشمی در ابتدای برنامه دوم ۲/۵ میلیون متر بود که در سال ۱۳۴۰ به ۵/۴ میلیون متر افزایش یافت. در سال ۱۳۴۱ به دنبال اعمال محدودیتهای گمرکی و نیز رکود حاکم بر اقتصاد کشور، واردات در حد ۳/۵ میلیون متر ثابت ماند. اگر چه سهم واردات در تامین یا عرضه پارچه‌های پشمی در سالهای ابتدای برنامه روندی افزایشی داشت و در سال ۱۳۳۸ به ۷۲ درصد رسید؛ با بهره‌برداری از کارخانه‌های جدید^(۱) سهم واردات در عرضه پارچه‌های پشمی نیز رو به کاهش گذاشت و در ظرف مدت سه سال حدود ۲۰ درصد از این سهم کاهش یافت و در سال ۱۳۴۱ به ۵۲ درصد رسید. بدین ترتیب، کاهش واردات در حدود ۷۷۲ میلیون ریال صرفه‌جویی ارزی به دنبال داشت.^(۲)

در رشته منسوجات پشمی، انواع پتوها نیز قرار دارند که جا دارد در این قسمت آمار و اطلاعات مربوط به تولید، واردات، صادرات و عرضه انواع پتو نیز در برنامه دوم عمرانی بررسی شود - جدول ۳ - ۷.

جدول ۳ - ۷ تولید، واردات، صادرات و عرضه پتو در دوره برنامه دوم عمرانی ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱
واحد: هزار تخته

سال	تولید	واردات	صادرات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۳۴	۱۴۴/۲۳	۳/۷۷	۰/۰۳۴	۱۴۸/۰		۹۷	۳
۱۳۳۵	۴۵۴/۶۲	۶/۳۲	۰/۰۱۷	۴۶۱/۰	۲۱۵	۹۹	۱
۱۳۳۶	۸۵۰/۴۲	۲/۶	۰/۰۲۸	۸۵۳/۰	۸۷	۱۰۰	۰
۱۳۳۷	۹۶۰/۹۷	۳/۰۱	۰/۰۵	۹۶۴/۰	۱۳	۱۰۰	۰
۱۳۳۸	۹۴۴/۶۵	۲/۵۱	۰/۱۷۸	۹۹۷/۳	۴	۱۰۰	۰
۱۳۳۹	۸۱۰/۱۱	۱۲/۳	۰/۱۰۲	۸۲۲/۵	-۱۹	۹۹	۱
۱۳۴۰	۷۸۰/۴۴	۳/۲۴	۰/۲۰۳	۷۸۳/۹	-۴	۱۰۰	۰
۱۳۴۱	۵۰۳/۵۱	۱۲/۹	۰/۷۵۹	۵۱۷/۲	-۳۵	۹۷	۳
متوسط	۷۶۵/۰	۶/۱	۰/۱۹	۷۷۱/۳	۳۷	۹۹	۱

مأخذ: محمد علی فروزش، بررسی صنعت نساجی پشمی در ایران، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، ۱۳۴۹.

بر پایه جدول ۳ - ۷ تولید پتو در داخل کشور از ۱۴۴ هزار تخته در ابتدای برنامه دوم به ۵۰۳/۵ هزار تخته در سال ۱۳۴۱ افزایش یافت. رشد تولید طی این دوره به طور متوسط حدود ۳۷ درصد بود. در سالهای اول برنامه یعنی تا سال ۱۳۳۸، تولید پتوی داخلی از رشدی مثبت برخوردار بود، ولی از سال ۱۳۳۹ به بعد با رشد منفی روبرو بوده است. بیشترین میزان تولید پتو در سال ۱۳۳۸ صورت گرفته است. به علت رشد کمی و کیفی پتوهای داخلی، بیشتر

۱- چهار کارخانه بزرگ نساجی در سالهای بعد از ۱۳۳۸ به بهره‌برداری رسید: پشمباف جهانی: ۱۳۳۸؛ مقدم: ۱۳۳۹؛ افشار یزد: ۱۳۴۱؛ تاج اصفهان: ۱۳۴۱.

۲- شهلا شیبانی، بررسی صنایع نساجی نخی در ایران، سازمان برنامه، تهران، ۱۳۴۹.

نیازهای مصرف و بخش عمده عرضه کل پتو از تولیدات داخلی تامین می‌شد و مقدار واردات این محصول به قدری کم بود که در مقابل تولید داخلی در بعضی از سالها می‌توان آن را صفر در نظر گرفت. به طور متوسط در طول برنامه دوم، ۹۹ درصد عرضه پتو از تولید داخلی تامین شده است. در سال ۱۳۴۱ به علت کاهش تقاضای داخلی، تولید داخلی نیز کاهش یافت. در آن سال برای جبران کاهش تقاضای داخلی، مقدار بیشتری پتو به خارج صادر شد ولی باز هم ارزش کل صادرات بسیار ناچیز بود.

باید توجه داشت، با وجود آنکه اقدامات، کمکها و حمایت‌های دولت از صنایع نساجی سبب شد که این صنعت از خطر سقوط و ورشکستگی نجات یابد؛ همان طور که اشاره شد تعدادی از کارخانه‌ها در این دوره، به علت اینکه در زمان جنگ جهانی دوم بدون در نظر گرفتن قدرت تولیدی و استهلاك سرمایه شب و روز کار کرده بودند تا بازار داخلی را که به واسطه کاهش واردات بسیار رونق یافته بود پوشش دهند، با استهلاك و فرسوده شدن ماشین‌آلات و کاهش شدید بازدهی دست به گریبان بودند؛ به حدی که حمایت‌ها و کمک‌های دولت نیز نتوانست آنها را نجات دهد. بنابراین، یکی پس از دیگری ورشکست و تعطیل شدند. آمار موجود نشان می‌دهد که طی برنامه دوم ۱۰ کارخانه نساجی نخی، ۲ کارخانه نساجی پشمی، ۲ کارخانه از ۴ کارخانه نساجی کف و تنها کارخانه نساجی ابریشم (کارخانه ابریشم چالوس) تعطیل شدند و دیگر فعالیتی نداشتند.

۳-۳ برنامه عمرانی سوم: ۴۶-۱۳۴۲

یکی از هدف‌های برنامه سوم در بخش صنعت، ایجاد و توسعه صنایعی بود که با ایجاد حداکثر ارزش افزوده، سهم عمده‌ای در افزایش اشتغال و صرفه‌جویی ارزی داشته و نیز در صورت امکان درآمد ارزی بیشتری را فراهم نمایند. برای این منظور یازده رشته از صنایع موجود در کشور مورد توجه ویژه قرار گرفت که صنعت نساجی در دو رشته صنایع نساجی نخی و صنایع نساجی پشمی نیز از جمله آنها بود. در حدود ۰/۲ درصد از کل اعتبارات برنامه عمرانی سوم برای اصلاح و تکمیل کارخانه‌های نساجی دولتی، مشارکت در سرمایه با سرمایه‌گذاران خصوصی، اعطای وام به صاحبان صنایع و کمک فنی و راهنمایی به صنایع نساجی صرف شد.

اقدامات انجام گرفته توسط دولت در برنامه دوم برای رشد و توسعه صنعت نساجی کافی نبود، ولی توانست آن را از خطر سقوط و ورشکستگی نجات دهد. در برنامه سوم، اقدامات، حمایت‌ها و کمک‌های دولت به این صنعت زمینه‌های رشد و تقویت و توسعه صنعت نساجی را فراهم آورد، به طوری که در این دوره کارخانه‌های جدیدی تاسیس شدند و با سرمایه‌گذاری دولت و وام‌های اعطایی، کارخانه‌هایی نیز از ورشکستگی نجات یافتند. کارخانه ریسباف اصفهان و کارخانه تاج اصفهان از کارخانه‌هایی بودند که از طریق بودجه حمایت از صنایع و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌ها وام‌هایی را در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری برنامه عمرانی سوم از دولت دریافت داشتند و توانستند به عرصه تولید بازگردند. علاوه بر این دولت در دو طرح عمرانی دیگر صنعت نساجی پشمی نیز سرمایه‌گذاری مستقیم نمود و در مجموع از این طریق دولت حدود ۱۴۸ میلیون ریال در طول برنامه سوم فقط در صنعت نساجی پشمی سرمایه‌گذاری کرد. این سرمایه‌گذاری در حالی صورت گرفت که کل سرمایه‌گذاری دولت در برنامه دوم عمرانی در صنعت نساجی

پشمنی فقط ۲ میلیون ریال بود. مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد که دولت تا چه اندازه در برنامه سوم عمرانی به صنعت نساجی توجه و اهتمام داشته است. جدای از سرمایه‌گذاری‌هایی که دولت در این راستا انجام داد، زمینه پرداخت وامها و کمکهای بانکی را به این بخش فراهم آورد، و با اجرای سیاستهای گمرکی در جهت حمایت از تولیدکنندگان داخلی در طول برنامه سوم تولیدات محصولات نساجی رشد قابل توجهی پیدا کرد به طوری که در صنعت نساجی نخی، کشور از واردات محصولات نساجی نخی در سالهای پایانی برنامه سوم عمرانی بی‌نیاز شد و خودکفایی در این رشته صنعت نساجی به دست آمد.

چنانکه از جدول ۳ - ۸ پیداست، میزان تولید پارچه‌های نخی از ۲۶۲ میلیون متر در ابتدای برنامه به ۳۸۰ میلیون متر در انتهای برنامه سوم، افزایش یافت. وانگهی طی این دوره روند افزایشی تولید باثبات بود و در ۵ سال برنامه همواره رشد مثبتی را تجربه کرد. متوسط تولید پارچه‌های نخی توسط کارخانه‌های نساجی در حدود ۳۴۸ میلیون متر بود که نسبت به میانگین تولید در برنامه دوم حدود ۱۰۰ درصد افزایش یافت. این مقدار تولید در برنامه دوم تمام نیازهای کشور را تامین می‌نمود و این امر محقق نشد مگر در سایه سرمایه‌گذاریهای دولت و حمایت‌های گمرکی و سایر کمکهایی که به بخش خصوصی در چارچوب برنامه عمرانی سوم انجام شد. همچنین، باید به سیاستها و تصمیماتی اشاره شود که در نتیجه بررسیهای کارشناسانه در ابتدای برنامه سوم اتخاذ شد - که در قسمت قبلی این گزارش شرح داده شد.

جدول ۳ - ۸ عرضه کل پارچه‌های نخی طبیعی و مصنوعی طی برنامه سوم ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۴۱	۲۶۲	۳۳	۲۹۵	-	۸۹	۱۱
۱۳۴۲	۳۱۵	۳۱/۵	۳۴۶/۵	۲۰/۲	۹۱	۹
۱۳۴۳	۳۳۰	۱/۵	۳۴۵	۴/۸	۹۶	۴
۱۳۴۴	۳۵۰	۱۱/۷	۳۶۱/۷	۶	۹۷	۳
۱۳۴۵	۳۶۵	۶/۲	۳۷۱/۲	۴/۳	۹۸	۲
۱۳۴۶	۳۸۰	۳	۳۸۳	۴/۱	۹۹	۱
متوسط برنامه	۳۴۸	۱۳/۵	۳۶۱/۴	۷/۹	۹۶/۲	۳/۸

مأخذ: جعفر صادقی نامور، تحقیق در صنعت نساجی ایران، سازمان برنامه، ۱۳۵۵

صنایع نساجی پشمنی نیز در دوره برنامه عمرانی سوم رشد و توسعه یافت و تولیدات داخلی افزایش چشمگیری پیدا کرد، اما هنوز قادر نبود تمام نیازهای داخلی را برآورده سازد. بنابراین مقداری از نیازهای کشور در منسوجات پشمنی به ویژه پارچه‌های پشمنی از خارج تامین می‌شد. در برنامه سوم برای پاسخگویی به افزایش روزافزون تقاضا برای منسوجات پشمنی علاوه بر اینکه کارخانه‌های موجود توسعه داده شد، سه کارخانه بزرگ نساجی پشمنی نیز

تاسیس شد و به بهره‌برداری رسید. نکته قابل توجه اینکه طی سالهای برنامه تولید کارخانه‌ها بسیار کمتر از ظرفیت تولید آنها بود به طوری که در سال ۱۳۴۳ از ۴۹ درصد و در سال ۱۳۴۶ نیز از ۵۲ درصد ظرفیت تولید پارچه‌های پشمی کارخانه‌ها استفاده می‌شد. جدول ۳ - ۹ این وضعیت را بهتر نشان می‌دهد.

با اینکه از ظرفیت تولید کارخانه‌ها به طور کامل استفاده نمی‌شد، با توجه به اقدامات انجام گرفته برای افزایش تولید و توسعه صنعت نساجی پشمی این صنعت طی برنامه سوم از رشد خوبی برخوردار شد. تولید داخلی پارچه‌های پشمی از ۳/۲ میلیون متر در سال ۱۳۴۱ به ۷/۸ میلیون متر در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت. آمار مربوط به وضعیت پارچه‌های پشمی در جدول ۳ - ۱۰ ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، رشد تولید داخلی طی سالهای برنامه همواره مثبت و به طور متوسط در هر سال ۲۰ درصد بود. افزایش کیفیت و کمیت تولید داخلی و نیز محدودیتهای اعمال شده در جهت واردات منسوجات پشمی خارجی سبب شد که مصرف کنندگان داخلی به مصرف منسوجات داخلی بیشتر تمایل نشان دهند. آمار ارائه شده در این جدول نشان می‌دهد که سهم تولید داخلی در تامین نیازهای داخلی روند صعودی داشت و از ۴۸ درصد در ابتدای برنامه به ۶۶ درصد در سال پایانی برنامه رسید، و ۳۴ درصد آن از طریق واردات تامین شد.

جدول ۳ - ۹ وضع کارخانه‌های مهم در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶

ردیف	نام کارخانه	سال ۱۳۴۳						سال ۱۳۴۶					
		ظرفیت تولید		میزان تولید		ماشین آلات		ظرفیت تولید		میزان تولید		ماشین آلات	
		پتو	بارجه	پتو	بارجه	تعداد ماشین بافندگی	تعداد دوک	پتو	بارجه	پتو	بارجه	تعداد ماشین بافندگی	تعداد دوک
۱	شرکت سهامی کارخانجات مقدم	۶۰۰	—	۴۰۰	—	۲۸۰۰	۵۴	۱۲۰۰	—	۷۶۷	—	۳۰۶۴	۸۸
۲	شرکت ریسندگی و بافندگی تولید تاج اصفهان	۷۰۰	۱۰۰	۳۰۰	۵۰	—	—	۱۴۰۰	—	۶۰۵	—	۴۱۸۴	۸۰
۳	شرکت صنایع پشم اصفهان	۱۳۰۰	۱۵۰	۱۰۵۰	۱۲۰	۵۸۸۰	۹۶	۱۵۰۰	۱۵۰	۱۴۸۶	۱۳۷	۵۵۶۰	۱۱۴
۴	ریسباف اصفهان	۶۰۰	۱۷۰	۶۰	۱۰۰	۵۴۰۰	۸۰	۶۰۰	۱۵۰	۳۸۶	۱۲۰	۵۰۴۰	۸۰
۵	بغداد بافی ^(۱)	—	—	—	—	—	—	۶۰۰	—	۶۰	—	—	۱۰
۶	ریسندگی و بافندگی پشمی کارخانه وطن	۱۳۵۰	۱۵۰	۷۰۰	۱۲۰	۶۷۲۰	۱۶۷	۱۳۰۰	۱۵۰	۹۸۷	۹۳	۶۵۴۰	۱۵۳
۷	پشمبافی درخشان یزد	۴۵۰	۲۵	۲۵۰	۲۰	۲۴۴۸	۴۰	۵۰۰	۵۰	۳۸۷	۱۱	۲۷۱۰	۵۰
۸	پشمبافی فشار یزد	۴۵۰	—	۲۰۰	—	۲۰۲۰	۴۰	۸۰۰	۵۰	۴۸۱	۲۸	۲۴۰۰	۷۴
۹	شرکت سهامی پشمباف جهان	۵۵۰	—	۲۵۰	—	۲۲۵۲	۴۸	۶۰۰	۶۰	۴۳۹	۵۵	۲۶۵۲	۶۰
۱۰	ریسندگی و بافندگی کوراولی	۴۱۰	۲۵	۲۵۰	۱۵	۲۰۰۰	۳۹	۳۲۰	۲۰	۳۱۹	۱۶	۱۹۴۸	۲۲
۱۱	میهن بافت ^(۲)	—	—	—	—	—	—	۱۶۰۰	—	—	—	۳۵۰۰	۲۵
۱۲	شرکت سهامی مازندران ^(۳)	—	—	—	—	—	—	۶۰۰	—	۱۱۰	—	۳۰۰۰	۳۲
۱۳	پشمینه تبریز	۳۰۰	—	۱۵۰	—	۴۲۵۰	۵	۳۰۰	—	۲۰	—	۳۲۵۰	۵۰
۱۴	پشمباف اصفهان ^(۴)	۶۰۰	۱۵۰	—	—	۳۰۰۰	۷۵	۶۰۰	۱۵۰	—	۲۱	۴۲۸۰	۱۰۰
جمع		۷۳۱۰	۷۷۰	۳۶۱۰	۴۲۵	۳۶۷۰	۶۸۹	۱۱۷۲۰	۷۸۰	۶۰۵۰	۴۸۰	۴۸۱۲۸	۹۳۸

مأخذ: محمدعلی فروزش، **بررسی صنعت نساجی پشمی در ایران**، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، ۱۳۴۹.

۱- در سال ۱۳۴۴ از بغداد بافت بهره‌برداری به عمل آمد و در سال ۱۳۴۵ فقط نخ تولید می‌نمود.

۲- ماشین آلات کارخانه میهن بافت نصب شده بود، ولی بهره‌برداری از آن در اوایل برنامه چهارم عمرانی آغاز شد.

۳- ماشین آلات کارخانه نساجی مازندران در برنامه عمرانی سوم نصب شد، ولی بهره‌برداری از آن تا آخرین سال این برنامه ممکن نشد.

۴- کارخانه پشمباف اصفهان در سال ۱۳۴۳ تعطیل شده بود و تولیدی نداشت که تا اواخر برنامه عمرانی سوم با کمک دولت کارخانه دوباره فعال

شد.

جدول ۳ - ۱۰ وضعیت عرضه پارچه‌های پشمی طی برنامه عمرانی سوم ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	صادرات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۴۱	۳/۲	۳/۵	۰/۰۲۳	۶/۷		۴۸	۵۲
۱۳۴۲	۴/۱	۳/۶	۰/۰۲۱	۷/۷	۲۸	۵۳	۴۷
۱۳۴۳	۴/۳	۳/۳	۰	۷/۶	۵	۵۶	۴۴
۱۳۴۴	۵/۷	۴/۲	۰	۹/۹	۳۳	۵۸	۴۲
۱۳۴۵	۷/۵	۳/۷	۰	۱۱/۲	۳۲	۶۷	۳۳
۱۳۴۶	۷/۸	۴	۰	۱۱/۸	۴	۶۶	۳۴
متوسط	۵/۹	۳/۸	۰/۰	۹/۶	۲۰/۲	۶۰/۱	۳۹/۹

مأخذ: محمد علی فروزش، بررسی صنعت نساجی پشمی در ایران، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، ۱۳۴۹.

چنانکه از جدول ۳ - ۱۱ پیداست، وضعیت تولید پتو در طی سالهای برنامه عمرانی سوم رشد قابل ملاحظه‌ای نمود و از ۵۰۳/۵ هزار تخته پتو به ۱۲۸۶ هزار تخته پتو در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت. در مقابل واردات نیز که سهم ناچیزی در عرضه و تامین نیازهای داخلی طی این دوره داشت همواره کاهش یافت و در سال ۱۳۴۶ به حداقل خود یعنی حدود ۱۰۰ تخته پتو رسید.

جدول ۳ - ۱۱ وضعیت عرضه پتو طی برنامه عمرانی سوم ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶
واحد: هزار تخته

سال	تولید	واردات	صادرات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۴۱	۵۰۳/۵	۱۲/۹	۰/۸	۵۱۷/۲	-	۹۷	۳
۱۳۴۲	۴۲۶	۰/۶	۰/۰	۴۲۶/۶	-۱۵	۱۰۰	۰
۱۳۴۳	۷۱۰	۰/۷۹	۱/۲	۷۱۲/۰	۶۷	۱۰۰	۰
۱۳۴۴	۹۷۵	۰/۷۸	۰/۲	۹۷۶/۰	۳۷	۱۰۰	۰
۱۳۴۵	۱،۱۰۱	۰/۳	۰/۲	۱،۱۰۱/۵	۱۳	۱۰۰	۰
۱۳۴۶	۱،۲۸۶	۰/۱	۰/۲	۱،۲۸۶/۳	۱۷	۱۰۰	۰
متوسط	۸۹۹/۶	۰/۵	۰/۴	۹۰۰/۵	۲۳/۷	۹۹/۹	۰/۱

مأخذ: محمد علی فروزش، بررسی صنعت نساجی پشمی در ایران، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، ۱۳۴۹.

در سال‌های پایانی برنامه سوم صنعت نساجی در رشته نساجی نخی تقریباً خودکفا شده بود و نیازهای داخلی توسط کارخانه‌های داخلی تامین می‌شد. حتی کارخانه‌ها با اضافه تولید نیز روبرو بودند که به علت عدم کیفیت مطلوب و قیمت مناسب قابل صادرات نبود، ضمن اینکه صاحبان صنایع نیز به بازاریابی آشنایی چندانی نداشتند. هر ضلع رشته صنعت نساجی پشمی با اینکه هنوز قادر نبود مقداری از نیازهای داخلی را تامین کند، در این رشته نیز رشد قابل ملاحظه‌ای در تولیدات از لحاظ کمی و کیفی اتفاق افتاد و واردات منسوجات پشمی به شدت کاهش یافت. بنابراین می‌توان گفت که برنامه عمرانی سوم در رشد و توسعه صنعتی نساجی موفق بود. و گامهای مهمی در شکوفایی و ارتقای این صنعت در دوران برنامه سوم برداشته شد. البته نباید فراموش کرد که این رشد و توسعه در

سایه حمایتها و کمکهای دولت به ویژه حمایتهای گمرکی به دست آمد.

۳- ۴ برنامه عمرانی چهارم: ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱

هدف اصلی برنامه چهارم در صنعت رسیدن تولید داخلی به سطح خودکفایی بود. برای صنعت نساجی که برای اولین بار در آن صنعت پوشاک و چرم نیز دیده شده بود، بر مبنای ارزش افزوده و ارزش تولیدات هدفهایی در برنامه تعیین شد. دولت در برنامه چهارم دیگر نظیر برنامه دوم به طور مستقیم وارد نشد و نقش اصلی را به عهده بخش خصوصی گذاشت حتی در برنامه اشاره‌ای به اقدامات دولت برای توسعه رشد صنعت نساجی نشد و فقط در تعیین هدفهای برنامه صنعتی و معدنی ذکری از صنایع نساجی به طور اعم (شامل: نساجی نخی، پشمی، قالی، گلیم و غیره) به انضمام پوشاک و چرم به میان آمده و رشد سالانه‌ای برابر ۱۱/۱ درصد ارزش تولیدات برای آن در نظر گرفته شده بود.

طی دو سال اول برنامه به واسطه این که ظرفیت تولیدی کارخانه‌های نساجی نخی از میزان مصرف کشور بالاتر بود، توسعه چندانی در این قسمت پدید نیامد و خودکفایی هم در این رشته از صنایع نساجی که در سال آخر برنامه سوم تقریباً حاصل شده بود، همچنان ادامه یافت. به طوری که در سال ۱۳۴۸ مصرف داخلی منسوجات نخی که بالغ بر ۴۲۰ میلیون متر بود به طور کامل توسط تولیدات داخلی تامین شد و تنها ۸۸۵،۴۶۸ متر، یعنی کمتر از یک میلیون متر از خارج وارد می‌شد. در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ به ۳۳ واحد موجود اجازه توسعه داده شد و ۳ کارخانه جدید که پیش از آن اجازه تاسیس گرفته بودند شروع به بهره‌برداری نمودند. به علاوه، در سال ۱۳۵۰ به علت فزونی تقاضا نسبت به عرضه و افزایش قیمت، پس از سالها (یعنی از سال ۱۳۴۱) که ورود پارچه نخی ممنوع بود دولت با ورود ۳۰ میلیون متر پارچه از طریق شرکت سهامی معاملات خارجی موافقت نمود. در جدول ۳ - ۱۲ وضعیت عرضه پارچه‌های نخی و الیاف مصنوعی نشان داده شده است.

جدول ۳ - ۱۲ عرضه پارچه‌های نخی و الیاف مصنوعی طی برنامه چهارم عمرانی ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱
واحد: هزار تخته

سال	تولید	واردات	صادرات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۴۶	۳۸۰	۳	۱	۳۸۳	-	۹۹/۲	۰/۸
۱۳۴۷	۴۰۰	۱	۲	۴۰۳	۵/۲	۹۹/۷	۰/۳
۱۳۴۸	۴۲۵	۱	-	۴۲۶	۶/۲	۹۹/۷	۰/۳
۱۳۴۹	۴۵۰	-	-	۴۵۰	۵/۹	۱۰۰	۰
۱۳۵۰	۴۵۵	۳۰	-	۴۸۵	۱/۱	۹۴	۶
۱۳۵۱	۴۶۵	۲۰	۰/۱	۴۸۵	۲/۲	۹۶	۴
متوسط	۴۳۹	۱۰/۴	۱/۰۵	۴۵۰	۴/۱	۹۸	۴/۱

مأخذ: جعفر صادقی نامور، تحقیق در صنعت نساجی ایران، سازمان برنامه ۱۳۵۵.

چنانکه از جدول ۳ - ۱۲ پیداست، تولید داخلی پارچه‌های نخی طی برنامه چهارم ۴/۱ درصد رشد داشت و از ۳۸۰ میلیون متر در ابتدای برنامه به ۴۶۵ میلیون متر در سال آخر برنامه (۱۳۵۱) افزایش یافت. در دو سال اول برنامه به میزان ۳ میلیون متر پارچه صادر و سالهای بعد از آن صادرات متوقف شد یا مقدار آن بسیار ناچیز بوده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، خودکفایی صنعت نساجی نخی که در ابتدای برنامه تحقق یافته بود، در جریان برنامه چهارم عمرانی با قطع کمکها و حمایت‌های دولت از دست رفت. با وجود این که صنایع داخلی، ظرفیت جوابگویی به نیازهای داخلی را داشتند، به علت نبود مدیریت صحیح و در دسترس نبودن سرمایه در گردش قادر به تولید با ظرفیت کامل نبودند و در نتیجه زمینه‌های وابستگی به خارج در زمینه تامین پارچه‌های نخی فراهم می‌آمد. با وجود این، دولت در امر جذب سرمایه‌گذاران خصوصی در این رشته صنعتی و نیز صنعت نساجی به طور کلی موفقیت‌هایی به دست آورد. صاحبان سرمایه در بخش خصوصی نسبت به ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعت نساجی تمایل نشان دادند و دولت نیز از طریق کاهش مالیاتها و اعطای وام که توسط شبکه بانکی کشور صورت می‌گرفت آنها را در این امر یاری نمود. در رشته صنعت نساجی پشمی که عمده سرمایه متعلق به بخش خصوصی بود این مسأله بیشتر صدق می‌کرد. با توجه به تمایل سرمایه‌گذاران برای ایجاد کارخانه‌های بزرگ مجوزهایی در این باره صادر شد که آن کارخانه‌ها در نیمه دوم برنامه عمرانی چهارم به بهره‌برداری رسیدند و تا حدود زیادی در کاهش واردات تاثیر داشتند. شاید اگر ضعف مدیریت نبود و کارخانه‌ها با ظرفیت کامل تولید می‌نمودند، خودکفایی در این رشته صنعت نساجی نیز دور از دسترس نبود. البته ذکر این نکته لازم است که ایجاد کارخانه‌های نساجی پشم مستلزم عرضه پشم مرغوب به اندازه کافی در کشور است در حالی که میانگین بازده پشم ایران در آن زمان حدود ۵۰ درصد بود بدین معنا که پس از شستن و تمیز کردن پشم فقط نصف آن برای رسیدن باقی می‌ماند.^(۱)

جدول ۳ - ۱۳ عرضه پارچه‌های پشمی طی برنامه چهارم عمرانی ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱

واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۴۶	۷/۸	۴	۱۱/۸	-	۶۶	۳۴
۱۳۴۷	۷/۹	۲/۹	۱۰/۸	۱/۳	۷۳	۲۷
۱۳۴۸	۹	۱/۵	۱۰/۵	۱۴	۸۶	۱۴
۱۳۴۹	۱۱	۱	۱۲	۲۲/۲	۹۲	۸
۱۳۵۰	۱۲	۱/۲	۱۳/۲	۹	۹۱	۹
۱۳۵۱	۱۳	۰/۹	۱۴	۸/۳	۹۳	۷
متوسط برنامه	۱۰/۶	۱/۵	۱۲/۱	۱۱	۸۷	۱۳

مأخذ: جعفر صادقی نامور، تحقیق در صنعت نساجی ایران، سازمان برنامه، ۱۳۵۵

۱- یونس روحانی‌منش، رشته‌ها و بافته‌ها، دبیرخانه بین‌المللی پشم، ۱۳۵۲

بر پایه جدول ۳ - ۱۳، تولید داخلی پارچه‌های پشمی از نظر مقدار طی برنامه چهارم به طور متوسط سالانه ۱۱ درصد رشد نمود و از ۷/۸ میلیون متر در ابتدای برنامه به ۱۳ میلیون متر در سال پایانی برنامه افزایش یافت. بیشتر رشد تولید مربوط به سال ۱۳۴۹ است که علاوه بر استفاده بیشتر از ظرفیت تولید، دو کارخانه جدید در قم و کرمانشاه به بهره‌برداری رسید. از ظرفیت این دو کارخانه تا میزان ۴۵ درصد استفاده می‌شد. افزایش کمی و کیفی تولیدات داخلی باعث شد که سهم تولید داخلی در تامین نیازهای پارچه پشمی کشور از ۶۶ درصد در ابتدای برنامه به ۹۳ درصد در انتهای برنامه افزایش یابد. به عبارت دیگر سهم واردات به طور قابل توجهی کاهش یافت و به ۷ درصد رسید. علت این موضوع را بر افزایش تولید داخلی می‌توان در کاهش نسبی تقاضای داخلی جستجو کرد که متناسب با افزایش جمعیت، تقاضا برای پارچه‌های پشمی افزایش نیافته است. این افزایش تقاضا نیز از طریق تولیدات داخلی که قیمت آنها کمتر از قیمت کالاهای مشابه خارجی بود، پوشش داده می‌شد. دولت به دنبال اعمال سیاستهای حمایتی گمرکی که از سال ۱۳۴۱ به اجرا گذاشت، به تناوب در سالهای مختلف سود بازرگانی را برای هر متر پارچه پشمی وارداتی افزایش داد. برای مثال سود بازرگانی در سال ۱۳۴۸ نسبت به سال ۱۳۴۷ حدود ۴۰ درصد افزایش یافت. این اقدامات قیمت این محصولات را در بازار داخلی به شدت افزایش می‌داد و باعث شد مصرف کنندگان به تولیدات داخلی روی آورند.

جدول ۳ - ۱۴ وضعیت عرضه پتو طی سالهای برنامه عمرانی چهارم ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱

واحد: هزار تخته

سال	تولید	واردات	عرضه کل	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در عرضه	سهم واردات در عرضه
۱۳۴۶	۱،۲۸۶	۰/۱	۱،۲۸۶/۱	-	۱۰۰	۰
۱۳۴۷	۱،۳۹۳	۳/۶	۱،۳۹۶/۶	۸/۳	۹۹/۷	۰/۳
۱۳۴۸	۱،۳۹۰	۵/۸	۱،۳۹۵/۸	۰/۰۰۲	۹۹/۶	۰/۴
۱۳۴۹	۱،۴۵۰	۰/۲	۱،۴۵۰/۲	۴/۳	۱۰۰	۰
۱۳۵۰	۱،۵۱۰	۱/۵	۱،۵۱۱/۵	۴/۱	۹۹/۹	۰/۱
۱۳۵۱	۱،۵۸۰	۵/۹	۱،۵۸۵/۹	۴/۶	۹۹/۶	۰/۴
متوسط برنامه	۱،۴۶۵	۳/۴	۱،۴۶۸	۴/۲	۹۹/۸	۰/۲

مأخذ: جعفر صادقی نامور، تحقیق در صنعت نساجی ایران، سازمان برنامه، ۱۳۵۵

تولید داخلی پتو در طی سالهای برنامه چهارم به طور میانگین ۴/۲ درصد رشد داشت و از نظر مقداری از ۱۲۸۶ هزار تخته پتو در ابتدای برنامه در ۱۵۸۰ تخته پتو در سال ۱۳۵۱ افزایش یافت. نرخ رشد تولید به غیر از سال ۱۳۴۸ طی سالهای برنامه مثبت بود و طی سه سال آخر برنامه رشد باثباتی در حدود ۴ درصد به دست آمد. تولیدات داخلی طی برنامه چهارم عمرانی تقریباً نیازهای داخلی را تامین می‌کرد. سهم واردات بسیار ناچیز و همواره کمتر از ۰/۵ درصد بود. ممنوعیت واردات پتو و قیمت بالای پتوهای وارداتی در مقایسه با تولیدات داخلی و رشد کیفی محصولات

داخلی دلایل اصلی کاهش واردات پتو در برنامه عمرانی چهارم محسوب می‌شد. بدین ترتیب، اقدامات و حمایت‌های دولت، صنعت نساجی پشمی را در پایان برنامه چهارم به مرز خودکفایی رساند. اما این خودکفایی که در سایه حمایت‌های گمرکی و به دور از محیط واقعی رقابت حاصل شده بود چندان قابل اعتماد و اطمینان نبود.

در برنامه عمرانی چهارم سهم صنایع نساجی نسبت به کل صنایع کشور از نظر ارزش تولیدات ۱۶/۳ درصد، از نظر حجم سرمایه‌گذاری ۵/۳ درصد، از نظر اشتغال ۱۴/۵ درصد و از نظر ارزش افزوده ۱۷/۷ درصد بود. سهم ارزش افزوده صنایع نساجی و پوشاک در محصول ناخالص ملی در سال ۱۳۵۱، یعنی سال پایانی برنامه چهارم بیش از ۲/۵ درصد بود. حجم سرمایه انباشته تا آخر سال ۱۳۵۱ نزدیک به ۴۲ میلیارد ریال بود که از این مقدار ۸۷ درصد به بخش خصوصی، ۶ درصد به دولت و ۷ درصد به بانکها تعلق داشت. تعداد شاغلان بخش صنایع نساجی طی برنامه چهارم به طور متوسط سالانه ۵/۷ درصد رشد نمود و از ۱۴۳ هزار نفر در سال ۱۳۴۷ به ۱۸۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۱ بالغ شد. سهم صنایع نساجی در ایجاد اشتغال صنعتی در سالهای برنامه چهارم حدود ۳۰ درصد بود.

۳- ۵ برنامه عمرانی پنجم ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶

برنامه عمرانی پنجم در حالی اجرا شد که وضعیت اقتصادی کشور به واسطه افزایش ناگهانی و شدید قیمت نفت و نیز افزایش فوق‌العاده مقدار تولید و صادرات نفت^(۱)، بسیار مطلوب و ایده‌آل بود. درآمد سرشار نفتی راه تحقق سریعتر و آسانتر هدفهای برنامه را هموار نمود و حتی سبب شد که در اهداف تجدید نظر شود. ولی این افزایش درآمد سبب شد که سختگیریه‌ها و دقت‌های لازم در صرف هزینه‌ها به عمل نیاید و حتی نسبت به هدفهای برنامه عمرانی بی‌توجهی شود و فرصتی که می‌توانست برای تعمیق و تثبیت پایه‌های توسعه کشور استفاده شود به سادگی از دست رفت. وضعیت صنایع نساجی کشور نیز جدای از این مسأله نبود.

در برنامه عمرانی پنجم با توجه به شرایط صنعت نساجی در انتهای برنامه چهارم که تقریباً به خودکفایی رسیده بود، علاوه بر تعیین هدف تامین نیازهای داخلی برای اولین بار در برنامه‌های عمرانی صادرات محصولات نساجی نیز به عنوان یکی از هدفها و سیاستهای برنامه تعیین شد. رشد مصرف پارچه‌های نخی و پشمی حدود ۶ درصد و هدف تولید به میزان ۷۳۰ میلیون متر پارچه نخی و ۱۹/۵ میلیون متر پارچه پشمی در سال آخر برنامه تعیین شده و هدف صادرات نیز به میزان ۵ میلیون متر پارچه نخی و ۱/۶ میلیون متر پارچه پشمی در سال آخر برنامه در نظر گرفته شده بود. برای رسیدن به این هدفها حدود ۲۳ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری برآورد شده و برای تحقق آنها در سایر صنایع نساجی نیز مبلغی معادل ۵ میلیارد ریال سرمایه برآورد شده بود.

در برنامه عمرانی پنجم علاوه بر صنعت نساجی پشمی، رشته‌های جدیدی دیگر که پیش از این فعالیت آن چندان نداشتند در این دوره فعالتر شدند. از آن جمله می‌توان به صنعت کشفافی، کنف‌بافی، پلی پروپیلین و کف‌پوش ماشینی اشاره نمود - در ادامه گزارش پس از بررسی دو رشته صنعت نساجی نخی و صنعت نساجی پشمی، آمار و

۱- قیمت نفت خام شاخص از ۲/۷۵ دلار در سال ۱۳۵۱ به ۱۰/۸۱ دلار در سال ۱۳۵۲ افزایش یافت و تولید نفت ایران نیز در سال ۱۳۵۲ به

بیشترین میزان خود یعنی به بیش از ۶ میلیون شبکه در روز رسید. این مقدار تولید نه تنها بی‌سابقه بود بلکه هرگز تکرار نشد.

اطلاعات مربوط به این رشته‌های صنعت نساجی در جدولهای جداگانه ارائه می‌شود.

همان‌طور که اشاره شده دولت در برنامه عمرانی چهارم نقش عمده سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی را به عهده بخش خصوصی گذاشت و خود به عنوان حمایت کننده و مشوق این سرمایه‌گذاریها، اقداماتی را برای جذب بیشتر سرمایه‌ها به بخش صنعت و نیز صنعت نساجی ایفا نمود. در این باره، میزان سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی و از جمله در رشته‌های نساجی و الیاف مصنوعی در برنامه چهارم حدود ۵/۵ میلیارد ریال و سرمایه انباشته آن در آخر برنامه چهارم (۱۳۵۱) حدود ۲۲ میلیارد ریال برآورد شده است. این سیاست یعنی جلب سرمایه‌های بخش خصوصی در برنامه عمرانی پنجم نیز ادامه یافت و بر اثر تشویقهای دولت و کمک بانکهای تخصصی با شدت بیشتری دنبال شد؛ به طوری که در پایان برنامه عمرانی پنجم سرمایه انباشته به بیش از ۶۰ میلیارد ریال بالغ شد. در حدود ۳۸ میلیارد ریال این سرمایه جذب صنعت نساجی نخی شد. در مقابل این حجم سرمایه‌گذاری، تولیدات این صنعت در مقایسه با سایر برنامه‌های عمرانی چندان افزایش نیافت - جدول ۳ - ۱۵.

جدول ۳ - ۱۵ وضعیت مصرف پارچه نخی و الیاف مصنوعی طی برنامه عمرانی پنجم؛ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۱	۴۶۵	۲۰	۰/۱	۴۸۵/۰	-	۹۵/۱	۴
۱۳۵۲	۴۸۵	۶۲/۶	۲۹/۷	۵۱۵/۰	۴/۳	۹۴/۲	۱۲
۱۳۵۳	۵۱۰	۱۰۰	۰/۸	۵۹۵/۰	۵/۲	۸۵/۷	۱۷
۱۳۵۴	۵۲۰	۸۵	۰/۴	۶۱۵/۰	۲/۰	۸۴/۶	۱۴
۱۳۵۵	۵۱۲	۱۲۵	۱/۰	۶۲۵/۰	-۱/۵	۸۱/۹	۲۰
۱۳۵۶	۵۱۱	۱۴۲	۱/۰	۶۵۲/۰	-۰/۲	۷۸/۴	۲۲
متوسط	۵۰۷/۶	۱۰۲/۹	۶/۶	۶۰۰/۴	۱/۹	۸۴/۹	۱۶/۹

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

چنانکه از جدول ۳ - ۱۵ پیداست، تولید داخلی طی این دوره به طور متوسط سالانه حدود ۲ درصد رشد نمود و این رشد مربوط به سه سال اول برنامه بوده است. در سال ۱۳۵۴ میزان تولید به بیشترین میزان یعنی به ۵۲۰ میلیون متر رسید. پس از این سال به علت کمبود مواد اولیه و نیروی انسانی، بالا رفتن قیمت عوامل تولید، و کنترل قیمت محصولات تولید شده در دو سال پایانی برنامه کاهش پیدا کرد. سهم تولید داخلی در مصرف پارچه‌های نخی از حدود ۹۵ درصد در ابتدای برنامه به ۷۸ درصد در سال پایانی برنامه (۱۳۵۶) کاهش یافت. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود اهداف برنامه که حدود ۷۳۰ میلیون متر پارچه نخی در سال پایانی برنامه بود نه تنها محقق نشد بلکه درصد خودکفایی کشور در تامین نیازهای داخلی این نوع پارچه‌ها نیز کاهش یافت.

در سالهای ابتدای برنامه عمرانی چهارم واردات پارچه‌های نخی به صفر رسید، اما به دنبال افزایش تقاضا دولت

مجبور شد مجوز ورود مقداری از این محصول را در سالهای پایانی برنامه چهارم صادر نماید. واردات در برنامه عمرانی پنجم شدت بیشتری یافت، زیرا تقاضای داخلی به دنبال افزایش درآمدهای نفتی دولت که اثر مستقیم و غیرمستقیم در افزایش درآمدهای افراد و سطح رفاه جامعه داشت، افزایش یافت و تولیدات داخلی به علت مشکلات برشمرده و با وجود سرمایه‌گذاریهای زیادی که صورت گرفته بود، نتوانست جوابگوی نیازهای داخلی باشد. بنابراین واردات از ۲۰ میلیون متر در ابتدای برنامه به ۱۴۲ میلیون متر در سال ۱۳۵۶ رسید، و بدین ترتیب سهم واردات در مصرف از ۴ درصد به بیش از ۲۲ درصد بالغ شد.

نکته قابل توجه آنکه تعداد ۱۰ کارخانه دیگر علاوه بر ۴۹ کارخانه موجود در نقاط مختلف کشور در سالهای برنامه عمرانی پنجم در حال تاسیس بود که در دوران برنامه پنجم به بهره‌برداری نرسید. ظرفیت تولید این کارخانه‌ها در مجموع سالانه ۱۳۶ میلیون متر بود که حتی اگر این کارخانه‌ها در سال پایانی برنامه به بهره‌برداری می‌رسیدند و با ظرفیت کامل نیز کار می‌کردند، باز کمبود تولید وجود داشت و تولید داخلی، مصرف کشور را تامین نمی‌کرد و به لزوم بایست بخشی از نیاز مصرف از خارج تامین می‌شد.

صنعت نساجی نخی در زمینه ایجاد اشتغال در برنامه عمرانی پنجم نسبت به برنامه عمرانی چهارم نیز توفیق چندانی نداشت، طی برنامه چهارم عمرانی حدود ۲۸ هزار شغل جدید در این رشته نساجی ایجاد شد، ولی در برنامه عمرانی پنجم تعداد شغل ایجاد شده تنها نصف این مقدار یعنی ۱۴ هزار شغل جدید بود.

وضعیت صنایع نساجی پشمی در دوران برنامه عمرانی پنجم کم و بیش شبیه صنایع نساجی نخی بود. به طور کلی همان طور که اشاره شد، سیاست دولت در زمینه صنایع نساجی و به ویژه صنایع نساجی پشمی به سرمایه‌های بخش خصوصی متکی بود و دولت فقط نقش، حمایت‌کننده و مشوق این صنعت را از طریق اعطای وام، کاهش مالیات و وضع تعرفه‌های گمرکی بر عهده داشت. این سیاست یعنی اتکا به بخش خصوصی در برنامه عمرانی پنجم با شدت بیشتری دنبال شد اما دولت با حذف یا کاهش تعرفه‌های گمرکی قسمتی از حمایت خود را از این صنایع برداشت. با وجود این، طی برنامه عمرانی پنجم سرمایه‌گذاریهایی از طرف بخش خصوصی در این صنعت صورت گرفت و مقدار تولید طی سالهای برنامه به طور مداوم با رشد مثبت روبرو بود - جدول ۳ - ۱۶. بر پایه این جدول، تولید داخلی پارچه‌های پشمی کشور به طور متوسط سالانه حدود ۶ درصد رشد نمود و از ۱۳ میلیون متر در ابتدای برنامه به ۱۷۰۴ میلیون متر در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت. با آنکه نرخ رشد تولید طی سالهای برنامه پایین - بجز سال ۱۳۵۴ - پایین بود، با توجه به مثبت و یکنواخت بودن آن می‌توان گفت که شرایط مناسب و باثباتی برای تولید صنایع نساجی پشمی حاکم بوده است. سهم تولید داخلی در تامین نیاز مصرف با وجود رشد تولید به علت افزایش روزافزون تقاضا، تقریباً طی سالهای برنامه عمرانی پنجم در حد ۹۳ درصد ثابت باقی ماند. در برنامه پیش‌بینی شده بود تا پایان سال ۱۳۵۶، مقدار ۱/۵ میلیون متر صادرات منسوجات پشمی صورت گیرد و خودکفایی در این رشته صنعت فراهم شود. بنابراین ملاحظه می‌شود برخلاف پیش‌بینی برنامه عمرانی پنجم، نه تنها در سال پایانی برنامه صادراتی صورت نگرفت بلکه خودکفایی در این رشته صنعت نساجی نیز محقق نشد.

جدول ۳ - ۱۶ وضعیت مصرف پارچه پشمی طی برنامه عمرانی پنجم؛ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۱	۱۳/۰	۰/۹	۰/۰۹	۱۳/۹	-	۹۳/۵	۶/۵
۱۳۵۲	۱۳/۵	۰/۷	۰/۱۷	۱۴/۲	۳/۸	۹۵/۱	۴/۹
۱۳۵۳	۱۴/۱	۱/۱	۰/۰۳	۱۵/۰	۴/۴	۹۴/۰	۷/۳
۱۳۵۴	۱۵/۶	۱/۴	۰/۰۱	۱۷/۰	۱۰/۶	۹۱/۸	۸/۲
۱۳۵۵	۱۶/۷	۱/۵	-	۱۸/۲	۷/۱	۹۱/۸	۸/۲
۱۳۵۶	۱۷/۴	۱/۳	-	۱۸/۷	۴/۲	۹۳/۰	۷/۰
متوسط	۱۵/۵	۱/۲	۰/۰۴	۱۶/۶	۶/۰	۹۳/۱	۷/۱

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

صنعت پتوبافی در دوره برنامه عمرانی پنجم، به ویژه در نیمه دوم آن از رشد مناسبی برخوردار بود. مقدار تولید پتو توسط کارخانه‌های پتوبافی در طول برنامه به طور متوسط حدود ۱۶/۶ درصد رشد داشت و از ۱۵۸۰ هزار تخته پتو به ۳۳۰۰ هزار تخته پتو افزایش یافت. تولید داخلی پتو، نیاز کشور را تامین می‌نمود و فقط مقدار ناچیزی یعنی کمتر از یک درصد نیاز داخلی از خارج تامین شده است. با توجه به افزایش نیاز مصرف از سال ۱۳۵۳ به بعد - بر اثر افزایش درآمدهای نفتی - ضمن افزایش واردات، صادرات این محصول در دو سال ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ قطع شد. اما دوباره از سال ۱۳۵۵ به بعد مقدار بسیار ناچیزی صادر شده است - جدول ۳ - ۱۷.

جدول ۳ - ۱۷ وضعیت مصرف پتو طی برنامه عمرانی پنجم؛ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: هزار تخته

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۱	۱،۵۸۰	۶	۱/۶	۱،۵۸۴	-	۱۰۰	۰
۱۳۵۲	۱،۶۰۰	۷	۱/۷	۱،۶۰۵	۱	۱۰۰	۰
۱۳۵۳	۱،۷۳۰	۲۳	-	۱،۷۵۳	۸	۹۹	۱
۱۳۵۴	۲،۴۰۰	۱۰	-	۲،۴۱۰	۳۹	۱۰۰	۰
۱۳۵۵	۲،۷۰۰	۱۲	۰/۵	۲،۷۱۱	۱۳	۱۰۰	۰
۱۳۵۶	۳،۳۰۰	۵۰	۰/۵	۳،۳۴۹	۲۲	۹۹	۱
متوسط	۲،۳۴۶	۲۰/۴	۰/۵	۲،۳۶۶	۱۶/۶	۹۹/۶	۰/۴

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

در سالهای برنامه عمرانی پنجم به علت وضعیت پدید آمده در کشور (بر اثر افزایش ناگهانی قیمت نفت و افزایش درآمدهای عمومی) و نیز رشد فن‌آوریهای جدید در رشته‌های نساجی نخی و پشمی، رشته‌های دیگر نساجی نظیر جوراب‌بافی، کنبافی، پلی‌پیلن و کف‌پوش ماشینی نیز رشد و توسعه یافت. دولت نیز با توجه به توان تولید داخلی با

اعمال محدودیتهای گمرکی زمینه‌های توسعه این صنایع را فراهم آورد.

در صنعت جوراب‌بافی، رشد تولید داخلی طی برنامه عمرانی پنجم به طور متوسط سالانه ۸ درصد بود. تولید بجز در سال ۱۳۵۴ همواره بیشتر از نیاز مصرف بود. فقط در سال ۱۳۵۴، به واسطه کمبودی که در سال ۱۳۵۳ به وجود آمده بود، واردات جوراب که تا آن زمان غیرمجاز بود آزاد شد؛ در نتیجه ۶ میلیون جفت در آن سال وارد شد. با افزایش تولید در سالهای پایانی برنامه مجدداً خودکفایی در این رشته صنعت نساجی دوباره به دست آمد.

تولید داخلی صنعت نساجی در رشته‌های کنبافی، پلی‌پیلن و کفپوش ماشینی نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشت و سهم بسزایی در تامین نیازهای داخلی ایفا نمود. در صنعت کنبافی سهم تولید داخلی در مصرف از ۳۱ درصد در ابتدای برنامه به ۶۲ درصد در انتهای برنامه افزایش یافت. تولیدات پلی‌پیلن در کشور که اواخر برنامه چهارم عمرانی آغاز شده بود با توجه به امکان جایگزین کردن تولیدات پلی‌پیلن به جای محصولات مشابه نظیر محصولات کنبی با استقبال گرم بازار مواجه شد و میزان سرمایه‌گذاری در این صنعت افزایش یافت. در نتیجه، میزان تولیدات طی برنامه عمرانی به طور متوسط سالانه بیش از ۳۷ درصد رشد یافت. صنعت کفپوش ماشینی شامل موکت، فرش ماشینی و نمد که صنعت نوپایی به شمار می‌آمد اواخر برنامه چهارم در ایران شکل گرفت و تا پایان برنامه عمرانی پنجم پیشرفت قابل ملاحظه‌ای یافت. از علل مهم سبب‌ساز پیشرفت این صنعت، تغییر سیاست دولت نسبت به این صنعت و افزایش چشمگیر قیمت فرشهای دستباف بود. در گذشته به دلیل حمایت از قالیه‌های دستباف از تاسیس واحدهای تولید کننده فرش ماشینی جلوگیری به عمل می‌آمد؛ ولی با کاهش تولید و افزایش تقاضا به علت رشد جمعیت و افزایش درآمد سرانه، قیمت فرشهای دستباف به شدت افزایش یافت. در این شرایط دولت به تدریج با احداث این نوع واحدها موافقت نمود. استقبال چشمگیر مردم از موکت و فرشهای ماشینی به دلیل تنوع طرح و رنگ و از همه مهمتر ارزانی آنها، توسعه چشمگیر این صنعت را در برنامه عمرانی پنجم به دنبال داشت. تولید طی این دوره به طور متوسط سالانه بیش از ۲۳ درصد رشد یافت. با وجود افزایش سرمایه‌گذاری در این صنعت، ایجاد کارخانه‌های جدید، و در نتیجه افزایش تولید پدید آمده در این دوره بر اثر افزایش شدید تقاضا، سهم تولید داخلی در مصرف محصولات کفپوش ماشینی از ۸۱ درصد در ابتدای برنامه به ۶۰ درصد در انتهای برنامه کاهش یافت - جدولهای ۳ - ۱۸ تا ۳ - ۲۱.

جدول ۳ - ۱۸ وضعیت صنعت جوراب‌بافی طی برنامه عمرانی پنجم؛ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: میلیون جفت

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۱	۱۲۶	-	۴/۰	۱۲۲/۰	-	۱۰۳/۳	۰/۰
۱۳۵۲	۱۳۶	-	۳/۳	۱۳۲/۸	۷/۹	۱۰۲/۴	۰/۰
۱۳۵۳	۱۴۷	۰/۱	۱/۶	۱۵۱/۴	۸/۱	۹۷/۱	۰/۱
۱۳۵۴	۱۵۹	۶/۰	۱/۰	۱۵۸/۴	۸/۲	۱۰۰/۴	۳/۸
۱۳۵۵	۱۷۲	۰/۴	-	۱۷۲/۰	۸/۲	۱۰۰/۰	۰/۲
۱۳۵۶	۱۸۶	-	-	۱۸۶/۰	۸/۱	۱۰۰/۰	۰/۰
متوسط	۱۶۰	۱/۳	۱/۲	۱۶۰/۱	۸/۱	۱۰۰/۰	۰/۸

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

جدول ۳ - ۱۹ وضعیت صنعت کتف‌بافی طی برنامه عمرانی پنجم؛ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: تن

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۱	۹،۲۷۲	۲۰،۹۱۸	-	۳۰،۱۹۰	-	۳۰/۷	۶۹/۳
۱۳۵۲	۹،۵۰۰	۲۵،۲۰۰	-	۳۴،۷۰۰	۲/۵	۲۷/۴	۷۲/۶
۱۳۵۳	۱۰،۰۰۰	۳۱،۳۰۰	-	۴۱،۳۰۰	۵/۳	۲۴/۲	۷۵/۸
۱۳۵۴	۱۱،۱۰۰	۳۰،۰۰۰	-	۴۱،۳۰۰	۱۱/۰	۲۷/۱	۷۳/۲
۱۳۵۵	۱۴،۲۰۰	۳۰،۰۰۰	-	۴۴،۲۰۰	۲۷/۹	۳۲/۱	۶۷/۹
۱۳۵۶	۲۸،۷۰۰	۱۷،۳۰۰	-	۴۶،۰۰۰	۱۰۲/۱	۶۲/۴	۳۷/۶
متوسط	۱۴،۷۰۰	۲۶،۷۶۰	-	۴۱،۴۴۰	۲۹/۸	۳۴/۶	۶۵/۴

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

جدول ۳ - ۲۰ وضعیت صنعت پلی‌پیلن طی برنامه عمرانی پنجم؛ ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: تن

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۰	۲،۰۷۰	-	-	۲،۰۷۰	-	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۱	۳،۰۰۰	-	-	۳،۰۰۰	۴۴/۹	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۲	۴،۰۰۰	-	-	۴،۰۰۰	۳۳/۳	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۳	۵،۸۰۰	-	-	۵،۸۰۰	۴۵/۰	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۴	۷،۱۰۰	-	-	۷،۱۰۰	۲۲/۴	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۵	۸،۲۰۰	-	-	۸،۲۰۰	۱۵/۵	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۶	۱۴،۰۰۰	-	۱،۰۰۰	۱۳،۰۰۰	۷۰/۷	۱۰۷/۷	۰/۰
متوسط	۷،۸۲۰	-	-	۷،۶۲۰	۳۷/۴	۱۰۱/۵	۰/۰

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

جدول ۳ - ۲۱ وضعیت صنعت کفپوش ماشینی (موکت، فرش ماشینی و نمد) طی برنامه عمرانی پنجم ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶
واحد: میلیون متر مربع

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۵۱	۲/۲	۰/۵	-	۲/۷		۸۱/۵	۱۸/۵
۱۳۵۲	۲/۳	۰/۷	-	۳/۰	۴/۵	۷۶/۷	۲۳/۳
۱۳۵۳	۲/۸	۱/۲	-	۴/۰	۲۱/۷	۷۰/۰	۳۰/۰
۱۳۵۴	۳/۰	۲/۶	-	۵/۶	۷/۱	۵۳/۶	۴۶/۴
۱۳۵۵	۴/۵	۳/۵	-	۸/۰	۵۰/۰	۵۶/۳	۴۳/۸
۱۳۵۶	۶/۰	۴/۰	-	۱۰/۰	۳۳/۳	۶۰/۰	۴۰/۰
متوسط	۳/۷	۲/۴	-	۶/۱	۲۳/۴	۶۳/۳	۳۶/۷

مأخذ: مهدی زرهی، صنایع نساجی ایران، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷.

جدول ۴ - وضعیت صنایع پارچه نخ و الیاف مصنوعی طی سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۵۶
واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۱۴	۱۱/۰	۹۴/۳	-	۱۴۵/۳	-	۷/۶	۶۴/۹
۱۳۱۵	۱۱/۵	۷۳/۹	-	۱۲۵/۴	۴/۵	۹/۲	۵۸/۹
۱۳۱۶	۴۰/۵	۱۰۸/۳	-	۱۸۸/۸	۲۵۲/۲	۲۱/۴	۵۷/۴
۱۳۱۷	۴۳/۵	۳۴/۷	-	۱۱۸/۲	۷/۴	۳۶/۸	۲۹/۴
۱۳۱۸	۴۳/۵	۶۳/۴	-	۱۴۶/۹	۰/۰	۲۹/۶	۴۳/۲
۱۳۱۹	۴۳/۵	۵۷/۶	-	۱۴۱/۱	۰/۰	۳۰/۸	۴۰/۸
۱۳۲۰	۴۳/۵	۶/۴	-	۸۹/۹	۰/۰	۴۸/۴	۷/۱
۱۳۲۱	۴۳/۵	۴۶/۷	-	۱۳۰/۲	۰/۰	۳۳/۴	۳۵/۹
۱۳۲۲	۴۳/۵	۱۹/۵	-	۱۰۳/۰	۰/۰	۴۲/۲	۱۸/۹
۱۳۲۳	۴۳/۵	۱۷/۵	-	۱۱۱/۰	۰/۰	۳۹/۲	۱۵/۸
۱۳۲۴	۴۳/۵	۱۵/۲	-	۹۸/۷	۰/۰	۴۴/۱	۱۵/۴
۱۳۲۵	۴۳/۵	۴۰/۴	-	۱۲۳/۹	۰/۰	۳۵/۱	۳۲/۶
۱۳۲۶	۴۳/۵	۳۸/۴	-	۱۲۱/۹	۰/۰	۳۵/۷	۳۱/۵
۱۳۲۷	۴۳/۵	۵۸/۶	-	۱۴۲/۱	۰/۰	۳۰/۶	۴۱/۲
۱۳۲۸	۶۴/۰	۱۱۲/۶	-	۲۱۶/۶	۴۷/۱	۲۹/۵	۵۲/۰
۱۳۲۹	۶۴/۰	۷۷/۹	-	۱۸۱/۹	۰/۰	۳۵/۲	۴۲/۸
۱۳۳۰	۶۳/۰	۸۴/۳	-	۱۸۷/۹	-۱/۶	۳۳/۵	۴۴/۹
۱۳۳۱	۶۳/۰	۶۸/۲	-	۱۷۱/۲	۰/۰	۳۶/۸	۳۹/۸
۱۳۳۲	۶۱/۰	۹۴/۲	-	۱۹۴/۲	-۳/۲	۳۱/۴	۴۸/۵
۱۳۳۳	۶۱/۰	۹۳/۳	-	۱۹۴/۳	۰/۰	۳۱/۴	۴۸/۰
۱۳۳۴	۶۲/۰	۷۲/۵	-	۱۷۴/۵	۱/۶	۳۵/۵	۴۱/۵
۱۳۳۵	۶۷/۰	۶۲/۶	-	۱۶۵/۶	۸/۱	۴۰/۵	۳۷/۸
۱۳۳۶	۷۷/۰	۶۶/۵	-	۱۷۵/۵	۱۴/۹	۴۳/۹	۳۷/۹
۱۳۳۷	۱۰۱/۰	۶۲/۲	-	۱۹۱/۲	۳۱/۲	۵۲/۸	۳۲/۵
۱۳۳۸	۱۸۳/۰	۱۲۵/۴	-	۳۰۸/۴	۸۱/۲	۵۹/۳	۴۰/۷
۱۳۳۹	۲۵۶/۷	۱۱۸/۲	-	۳۷۴/۹	۴۰/۳	۶۸/۵	۳۱/۵
۱۳۴۰	۲۷۰/۴	۷۷/۶	-	۳۴۸/۰	۵/۳	۷۷/۷	۲۲/۳
۱۳۴۱	۲۶۲/۰	۳۳/۰	-	۲۹۵/۰	-۳/۱	۸۸/۸	۱۱/۲
۱۳۴۲	۳۱۵/۰	۳۱/۵	-	۳۴۶/۵	۲۰/۲	۹۰/۹	۹/۱
۱۳۴۳	۳۳۰/۰	۱۵/۰	-	۳۴۵/۰	۴/۸	۹۵/۷	۴/۳
۱۳۴۴	۳۵۰/۰	۱۱/۷	-	۳۶۱/۷	۶/۱	۹۶/۸	۳/۲
۱۳۴۵	۳۶۵/۰	۶/۲	-	۳۷۱/۲	۴/۳	۹۸/۳	۱/۷
۱۳۴۶	۳۸۰/۰	۳/۰	۱/۰	۳۸۴/۰	۴/۱	۹۹/۰	۰/۸
۱۳۴۷	۴۰۰/۰	۱/۰	۲/۰	۴۰۳/۰	۵/۳	۹۹/۳	۰/۲
۱۳۴۸	۴۲۵/۰	۱/۰	-	۴۲۶/۰	۶/۳	۹۹/۸	۰/۲
۱۳۴۹	۴۵۰/۰	-	-	۴۵۰/۰	۵/۹	۱۰۰/۰	۰/۰
۱۳۵۰	۴۵۵/۰	۳۰/۰	-	۴۸۵/۰	۱/۱	۹۳/۸	۶/۲
۱۳۵۱	۴۶۵/۰	۲۰/۰	۰/۱	۴۸۹/۰	۲/۲	۹۵/۱	۴/۱
۱۳۵۲	۴۸۵/۰	۶۲/۶	۲۹/۷	۵۱۵/۰	۴/۳	۹۴/۲	۱۲/۲
۱۳۵۳	۵۱۰/۰	۱۰۰/۰	۰/۸	۵۹۵/۰	۵/۲	۸۵/۷	۱۶/۸
۱۳۵۴	۵۲۰/۰	۸۵/۰	۰/۴	۶۱۵/۰	۲/۰	۸۴/۶	۱۳/۸
۱۳۵۵	۵۱۲/۰	۱۲۵/۰	۱/۰	۶۲۵/۰	-۱/۵	۸۱/۹	۲۰/۰
۱۳۵۶	۵۱۱/۰	۱۴۲/۰	۱/۰	۶۵۲/۰	-۰/۲	۷۸/۴	۲۱/۸

جدول ۴ - ۲ وضعیت صنعت پارچه‌های پشمی طی سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۶

واحد: میلیون متر

سال	تولید	واردات	صادرات	مصرف	رشد تولید داخلی	سهم تولید داخلی در مصرف	سهم واردات در مصرف
۱۳۳۴	۱/۳	۲/۵	۰/۰۲	۳/۸		۳۴/۶	۶۵/۴
۱۳۳۵	۲/۴	۳/۴	۰/۰۵۸	۵/۹	۸۴/۶	۴۲/۰	۵۸/۰
۱۳۳۶	۱/۴	۳/۷	۰/۰۸۱	۵/۲	-۴۱/۷	۲۸/۶	۷۱/۴
۱۳۳۷	۱/۷	۴/۱	۰/۰۵۴	۵/۹	۲۱/۴	۳۰/۰	۷۰/۰
۱۳۳۸	۲/۱	۵/۴	۰/۰۴۸	۷/۵	۲۳/۵	۲۸/۵	۷۱/۵
۱۳۳۹	۳/۱	۵/۳	۰/۰۲	۸/۴	۴۷/۶	۳۷/۱	۶۲/۹
۱۳۴۰	۳/۹	۵/۴	۰/۰۰۲	۹/۳	۲۵/۸	۴۱/۹	۵۸/۱
۱۳۴۱	۳/۲	۳/۵	۰/۰۲۳	۶/۷	-۱۷/۹	۴۷/۹	۵۲/۱
۱۳۴۲	۴/۱	۳/۶	۰/۰۲۱	۷/۷	۲۸/۱	۵۳/۴	۴۶/۶
۱۳۴۳	۴/۳	۳/۳	۰/۰	۷/۶	۴/۹	۵۶/۴	۴۳/۶
۱۳۴۴	۵/۷	۴/۲	۰/۰	۹/۹	۳۲/۶	۵۷/۶	۴۲/۴
۱۳۴۵	۷/۵	۳/۷	۰/۰	۱۱/۲	۳۱/۶	۶۷/۰	۳۳/۰
۱۳۴۶	۷/۸	۴/۰	۰/۰	۱۱/۸	۴/۰	۶۶/۱	۳۳/۹
۱۳۴۷	۷/۹	۲/۹	۰/۰	۱۰/۸	۱/۳	۷۳/۱	۲۶/۹
۱۳۴۸	۹/۰	۱/۵	۰/۰	۱۰/۵	۱۳/۹	۸۵/۷	۱۴/۳
۱۳۴۹	۱۱/۰	۱/۰	۰/۰	۱۲/۰	۲۲/۲	۹۱/۷	۸/۳
۱۳۵۰	۱۲/۰	۱/۲	۰/۰	۱۳/۲	۹/۱	۹۰/۹	۹/۱
۱۳۵۱	۱۳/۰	۰/۹	۰/۰۹	۱۴/۰	۸/۳	۹۳/۵	۶/۴
۱۳۵۲	۱۳/۵	۰/۷	۰/۱۷	۱۴/۲	۳/۸	۹۶/۳	۴/۹
۱۳۵۳	۱۴/۱	۱/۱	۰/۰۳	۱۵/۰	۴/۴	۹۴/۲	۷/۳
۱۳۵۴	۱۵/۶	۱/۴	۰/۰۱	۱۷/۰	۱۰/۶	۹۱/۸	۸/۲
۱۳۵۵	۱۶/۷	۱/۵	-	۱۸/۲	۷/۱	۹۱/۸	۸/۲
۱۳۵۶	۱۷/۴	۱/۳	-	۱۸/۷	۴/۲	۹۳/۰	۷/۰

- ۱- اشرف، احمد، **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران**، انتشارات زمینه.
- ۲- —، **بررسی صنایع نساجی در ایران**، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱.
- ۳- بهشتی‌پور، مهدی، **تاریخچه صنایع نساجی در ایران**، تهران اکونومیست، ۱۳۴۳.
- ۴- صادقی‌نامور، جعفر، **تحقیق در صنعت نساجی ایران**، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵.
- ۵- روحانی‌منش، یونس، **رشته‌ها و بافته‌ها**، دبیرخانه بین‌المللی پشم، ۱۳۵۲.
- ۶- زرهی، مهدی، **صنایع نساجی ایران**، وزارت صنایع و معادن، تهران، ۱۳۵۷.
- ۷- شرکت، کاظم، **بررسی صنعت نساجی طبیعی و مصنوعی**، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، ۱۳۴۳.
- ۸- شیبانی، شهلا، **بررسی صنعت نساجی نخی در ایران**، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، تهران، ۱۳۴۹.
- ۹- فصیحی، شهین، **بررسی صنعت نساجی پشمی طی برنامه دوم و سوم**، سازمان برنامه، ۱۳۴۵.
- ۱۰- فروزش، محمدعلی، **بررسی صنعت نساجی پشمی در ایران**، سازمان برنامه، امور صنایع و معادن، تهران، ۱۳۴۹.